نسیم اسلام

نشریه داخلی طلاب مدرسه دارالقرآن سراوان | شماره دوم | بهمن ۱۳۹۸ ه.ش - جمادی الثانی ۱۴۴۱ه.ق

یا إلهي جُـد بعفوٍ واجعل القران زادي

کن لأولادي معیناً واهدهم درب الرشادِ

www.nbadri.com

برخی از مطالبی که در این شماره می خوانید:



- نکاتی ارزشمند برای تلاوتی زیبا
- تصوف؛ راهی برای پاکی باطن
- جایگاه مسجد در تشکیل جامعه مدرن اسلام
- چرا مدارس دینی تاسیس شد؟
- راهکارهای مفید برای پیشرفت درسی طلاب
- زندگی با قرآن؛ در گفتگو با قاری ضیاءالرحمن صحت
- تاثیر رسانه بر جامعه و لزوم توجه مدارس دینی به فعالیت های رسانه ای
- طرح طلبه دانش آموزی | طرحی برای تربیت نسل جدید (گفتگو با مولانا اسحاق سپاهی)

نسیم اسلام

نشریه داخلی طلاب مدرسه
دارالقــرآن ســـراوان
شماره دوم | بهمن ۱۳۹۸ ه.ش
– جمادی الثانی ۱٤٤۱ ه.ق

مدیراجرایی: عبدالحق سپاهی

سر دبیر: مولوی حبیب الله سپاهی

نویسندگان: مولوی عبدالله دهقان - قاری محمدسپاهی - مولوی الله یار گنگوزهی - احمد سپاهی - اسماعیل شیخی - سیف الله رئیسی - مرادمحمدگمشادزهی - اسلم بلوچی - یاسر سابکزهی - درمحمدگمشادزهی- عبدالحق سپاهی - عیسی رئیسی - اسلم کدخدایی - علی سابکزهی - مسعود پرکی - شاکر بلوچزهی

صفحه آرا، طراح جلد و ویراستار:
عبدالحق سپاهی

آدرس: استان سیستان و بلوچستان، سراوان، خیابان دارالقرآن، مدرسه دارالقرآن سراوان

آدرس اینترنتی:
www.Darulquran.ir

کانال تلگرامی:
Telegram.me/Darulquran_ir

پروژه ساختمانی پنج طبقه در حال احداث
مدرسه دارالقرآن سراوان

مدرسه دارالقرآن سراوان با دو دهه فعالیت دینی، یکی از مدارس فعال اهل سنت در سراوان می باشد. در سال تحصیلی گذشته با توجه به کثرت مراجعه متقاضیان ثبت نام، این مدرسه دچار کمبود مکان شد. همچنین با توجه به نبود مسجد در خود حوزه، طلاب برای ادای نمازهای پنجگانه به مسجد محله مراجعه می کنند و برای ساخت کلاسهای درس بیشتر و مسجد در خود حوزه نیاز پیدا شد. به همین منظور نقشه ساختمان پنج طبقه توسط دفتر فنی مهندسی "ایمن سازه سراوان" طراحی و در حال اجرا می باشد. از خیرین عزیز تقاضا می شود با کمکهای نقدی و غیرنقدی (مصالح ساختمانی) خود را در این صدقه جاریه شریک نمایند و برای آخرت خود پس انداز کنند.



شماره کارت بانک ملت: ۶۱۰۴۳۳۷۴۸۰۵۵۶۴۰۴

شماره کارت بانک ملی: ۶۰۳۷۹۹۷۵۲۶۰۵۱۸۴۳

شماره کارت بانک کشاورزی: ۶۰۳۷۷۰۱۷۲۰۳۹۵۴۲۲

شماره تماس: ۰۹۱۵۱۹۸۹۳۸۷

شماره کارت های درج شده به نام مدیر مدرسه (اسحاق سپاهی) هستند.

سنت دانلود را ببینید و به دوستان خود معرفی کنید.

 www.SunnatDL.com

 Telegram.me/SunnatDL

 Instagram.com/SunnatDL

 Aparat.com/SunnatDownload



پایگاه اطلاع رسانی مدرسه دارالقرآن سراوان را ببینید
و به دوستان خود معرفی کنید.

 www.Darulquran.ir

 Telegram.me/Darulquran_ir

 Instagram.com/Darulquran.ir

 Aparat.com/Darulquran



نسیم اسلام
| نشریه فرهنگی مذهبی طلاب مدرسه دارالقرآن سراوان |

فهرست مطالب

پیشگفتار سردبیر

قرآن کریم

سیرت و سنت نبوی

صحابه و تاریخ

جامعه و اندیشه اسلامی

ردشبهات

اخبار

معرفی نرم افزار

گفتگو و مصاحبه

غفلت و اسباب آن

به قلم: مولانا حبیب الله سپاهی

بانام پروردگار که نامش آرامش بخش دلهاست و باسلام ودرود بر روان پاک رسول الله (صلی الله علیه وسلم) خاتم پیغمبران و محبوب رب جهانیان و بر آل، اصحاب و یاران راستین و جانثار وی باد.

باتشکر ازهمراهی شما خوانندگان عزیز که شماره دوم مجله علمی فرهنگی نسیم اسلام را مطالعه می نمائید، امیدوارم فرصت خوبی باشد تا مطالب و پیام این بزرگواران از اساتید و طلاب مدرسه دینی دارالقرآن سراوان را در این شماره خوانده و فیض حاصل نمایید. الله متعال این اثر را به بارگاه خودش بپذیرد. آمین

نگاهی کوتاه در موضوع غفلت داشته باشیم که امروز چه چیزی عامل غفلت مسلمان در عصر کنونی گشته و راه خلاصی غفلت در چه اموری از قرآن و سنت بیان گردیده است. غفلت تا به کی؟! آیا وقت بیداری نشده؟

غفلت عبارت است از این‌که پرده‌ای بر فکر و قلب انسان بیفتد که او از یک واقعیت و حقیقت دور بماند. درعصر کنونی بعد از گذشت ۱۴۰۰ سال از ظهور اسلام و بعثت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) می بینیم چه میگذرد برای مسلمان و مسلمان به کجا رسیده و چه می کند؟ و در چه حال است؟! و این سوال پیش می آید که کجا رفتند آن مسلمانان عابد، زاهد و شب زنده دار؟ مسلمانان حقیقی و خدا ترس که امروزه نظیرشان پیدا نمی گردد. این همه درد، افسوس و چراها!! مسلما تنها عامل، غفلت و بی باکی از گرفت پروردگار و فراموشی از قبر و قیامت است. خداوند متعال در کلام هدایت بخش ومعجزه آسایش معنی غفلت را برای ما توصیف میکند: (یَعْلَمُونَ ظَاهِراً مِنَ الْحَیاةِ الدُّنْیا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غافِلُونَ) آنها ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند، آنچه حس می‌کنند و از آن برخوردارند در نزد آنها هدف است و اصالت دارد و از زندگانی آخرت که نتیجهٔ واقعی زندگی دنیاست سخت غافلند. یعنی بیشتر مردم علم خود را فقط به امور مادی و شهوانی اختصاص داده اند و هیچ شناختی ندارند مگر دربارهٔ اموری که با حواس خود آنها را درک می‌کنند وبه همین دلیل درجستجوی تحصیل همین ظواهر و زینت‌های دنیوی هستند،

غفلت و اسباب آن

به قلم: مولانا حبیب الله سپاهی

به آنها دلبسته اند و در مقابل از معارف حقهٔ مربوط به آخرت که خیـرات و منافع واقعی آنان در آنهاست غافل شده اند.

از نشانه های غفلت میتوان به امور ذیل اشاره کرد:

۱. دنیاگرایی: یعنی به دنیا رغبت پیدا کردن و هدف زندگی را فقـط دنیـا دانستن

۲. تسلط شیطان: یکی دیگر از عوامل غفلت، سـلطه و غلبـه شـیطان بـر انسان است: «اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ...» شـیطان بـر آنان مسلّط شده و یاد خدا را از خاطر آنها برد.

۳. هوا پرستی: خداوند متعال در رابطه هواپرستی و غفلت می‌فرماید: «وَ لا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنا وَ اتَّبَعَ هَواهُ وَ كانَ أَمْرُهُ فُرُطا» و از کسـانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم اطاعت مکن!

۴. آرزوهای دراز: از دیگر عوامل غفلت، آمال و آرزوهای دراز اسـت؛ چـرا که آرزوهای دور و دراز تمام فکر و اندیشه انسان را به خود مشغول ساخته و از دیگر کارها غافل می‌سازد.

۵. سطحی‌نگری: تعالیم دینی، سطحی‌نگری نسبت به زندگی دنیا را یکـی از اسباب و عوامل غفلت می‌داند.

با این تفاسیر آیا وقتش نشده بازگردیم بسوی الله، توبه کنیم از گناهان، از شوق و رغبت دنیا در دل خود بکاهیم و به آخرت متوجه باشیم؟

«أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَن تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ» در این آیه الله متعال می‌فرماید: آیا وقت آن نرسیده که دل‌هـای مؤمنـان در برابر یاد خدا و آن چه از طرف او از معارف حق نازل شـده، خاشـع گـردد. هرکسی که ادعای ایمان دارد لازم است لثـر ایمـان، در وجـود او نمـودار گردد و مسلما قلب مؤمن باید با شنیدن آیات قـرآن نـرم شـود و در برابـر دستورات آن تسلیم گردد؛ واجبات الهی را انجام دهد و نواهی را ترک کند و این میشود «بازگشت و رجوع الی الله و بیداری دینی وتسـلیم شـدن در مقابل پروردگار» امیدوارم همه من و شما به فکر آخرت باشـیم؛ از غفلـت قلب و دل خود را نجات دهیم و با یاد و عبادت خداوند متعال زندگی را به آخر برسانیم.



نکاتی ارزشمند برای تلاوتی زیبا

به قلم
قاری محمد سپاهی
(استاد صوت و لحن مدرسه دارالقرآن)

خواندن قرآن کریم با رعایت نکات و قواعدی که صوت و لحن نیز از آن مستثنی نمی باشد از مسائلی است که بزرگان دین روی آن تأکید زیادی نموده اند. متأسفانه خیلی از افراد جامعه ما قرآن کریم را آن طوری که حقش باشد ادا نمیکنند. در این مقوله مختصر به جهت آشنایی بیشتر در رابطه با وظیفه یک فرد مسلمان نسبت به این کتاب الهی به برخی از آیات قرآن کریم و نیز فرمایشات بزرگان دین اشاره می کنیم:

۱- «قال رسول الله (ص): ما مؤمن ذکرا أو أنثی، حرا أو مملوکا الا ولله علیه حق واجب أن یتعلم من القرءان» هیچ زن و مرد مؤمنی نیست، چه آزاده و چه برده، مگر اینکه خداوند بر او حق واجبی دارد که باید (به اندازه توانش) قرآن را بیاموزد.

۲ - «فاقرءوا ما تیسر من القرءان» از قرآن هر مقدار که برایتان میسر است بخوانید.

۳ -«و رتل القرءان ترتیلا» قرآن را با ترتیل، یعنی منظم، شمرده شمرده ، روان و شیوا بخوان و در معانی آیات اندیشه کن.

۴ -در رابطه با معنای ((ترتیل)) در آیه ی مذکور از حضرت علی (رض) سؤال شد که ترتیل چیست؟ فرمودند: ((الترتیل هو تجوید الحروف و معرفة الوقوف)) ترتیل، تجوید و خوب ادا کردن حروف و شناخت محلهای وقف می باشد.

۵- «قال رسول الله (ص): اقرؤ القرءان بألحان العرب و أصواتها» قرآن کریم را با لحن، صوت و آوای عربی تلاوت کنید.

حال با توجه به این آیات و روایات و احادیث به این نتیجه می رسیم که یک مسلمان باید حداقل به روانخوانی قرآن کریم مسلط باشد، اضافه بر این هرکس به فراخور حال خویش بر رعایت موارد ذیل که از آیات و احادیث فوق استفاده می شود باید همت گمارد:

الف) خواندن آیاتی از قرآن کریم به طور مرتب و منظم.

ب) خواندن قرآن کریم با توجه به معنای ترتیل.

ج) قرائت قرآن کریم با رعایت لحن عربی.

د) قرائت قرآن کریم با صوت زیبا.

ه) تدبر و تأمل کردن در معنای قرآن کریم.

و) عمل کردن به احکام نورانی قرآن کریم.

***

صوت چیست؟

صوت به معنی ((آواز، بانگ و صدایی که از اشیاء مختلف به گوش هر شنونده ای می رسد))

صوتی که در قرائت قرآن کریم مطرح است صرفاً صدای قاری می باشد با ویژگی ها و خصوصیاتی که اشاره خواهیم کرد، جدای از لحن ها و آهنگهایی که در قالب صوت قرار می گیرد.

صوت در نتیجه ی ارتعاش تارهای صوتی که در حنجره قرار دارند به وجود می آید، متأسفانه بعضی از افراد که در ابتدای یادگیری قرائت قرآن کریم (به معنای اخص آن) هستند به این نکته اشاره می کنند که صدا نداریم و یا از صدای خوبی برخوردار نیستیم که این مطلب صحیح نیست، اگر این افراد به استعدادهای صوتی خود پی ببرند و نیز به استفاده درست از صدا در این مقوله توجه داشته باشند، هیچ وقت این ذهنیت در آنها به وجود نمی آید، در این که جنس صداها با هم متفاوت است شکی نیست، به این معنی که صدای هر فردی با فرد دیگر تفاوت دارد و این تفاوت را می توان از صحبت کردن عادی افراد نیز تشخیص داد.

***

در این جا لازم است به برخی از خصوصیات یک صدای خوب به اختصار اشاره ای داشته باشیم:

۱ -لطافت و زیبایی صدا

۲ -صاف بودن صدا

۳ -قوت و حجم صدا

۴ -انعطاف و تحریرپذیری صدا

۵ -ارتفاع صدا

۶ -طنین و یا زنگ صدا

۷ -دارا بودن طبقه صوتی در صدا

***

اگر بخواهیم صداها را در رابطه با این خصوصیات دسته بندی کنیم می توان به سه دسته تقسیم کرد که عبارتند از:

۱ – صداهایی که در حد اعلا دارای همه این ویژگی ها باشند که در این مورد درصد بسیار کمی از صداها را تشکیل میدهد.

۲-صداهایی که دارای هیچ یک از این ویژگی ها نباشند که این قسم نیز بسیارکم است.

۳ -اما قسم سوم بیشترین صداها از این نوع می باشد صداهایی هستند که در حد متوسط دارای این ویژگی ها باشند، به این معنی که برخی ازافراد این ویژگی ها را بیشتر و یا کمتر دارا می باشند، هر چه این ویژگی ها در صدا کمتر وجود داشته باشد به عواملی که باعث ازدیاد آنها می شود بیشتر باید توجه نمود.

یکی از نعمت هایی که خداوند باریتعالی به برخی از انسان ها عنایت فرموده است صدای خوب است که باید در راه صحیح و مشروع از آن استفاده نمود تا در روز قیامت مورد بازخواست و سؤال واقع نگردد، بدون شک بهترین مقوله ای که می توان از صدا به نحو احسن استفاده کرد قرائت قرآن کریم است که در آن همانند بقیه ی هنرها باید نکاتی مورد توجه قرار گیرد تا به مرور زمان صدا از ظرافت و جذابیت بیشتری برخوردار گردد.

همانطور که یک خطاط نوآموز برای نوشتن یک خط زیبا مدت زیادی باید تمرین داشته باشد و آن هم باید طبق قواعد و اصولی انجام پذیرد، یک قاری قرآن نیز برای خوب و زیبا خواندن قرآن کریم باید طبق اصول و ضوابطی تمرین داشته باشد تا ویژگی هایی که بالقوه در حنجره و صدای او وجود دارد به حالت بالفعل تبدیل شود ، تا بتواند قرآن کریم را آنگونه که شایسته ی کلام الهی می باشد به زیباترین و جذابترین وجه ممکن قرائت نماید.

ویژگی هایی که برای یک صدای خوب شمردیم وقتی محفوظ می ماند و نیز بر ظرافت، زیبایی و قوت آن افزوده می شود که نکات ذیل مورد توجه قرار گیرد:

۱ -مواظبت از صدا

۲-شناخت اصولی از استعدادهای صدا

۳ -تمرین مرتب و مستمر

در رابطه با هریک از این موارد به اختصار توضیحاتی ارائه می گردد.

۱ -**مواظبت از صدا:** در رابطه با این مورد نکاتی باید مورد توجه قرار گیرند که عبارتند از:

الف) عدم استفاده و یا استفاده کمتر از غذاها و بطور کلی خوراکیهایی که برای حنجره ضرر دارند، مانند: ادویه جات، ترشیجات، شیرینی جات، نوشیدنیهای خیلی خنک و نیز داغ، انگور، خربزه، غذاهای سرخ شده، غذاهای خیلی چرب و ...

ب) جلوگیری از سرد وگرم شدن حنجره به فاصلهء کم، کمتر صحبت کردن، عدم استفاده از دخانیات، حتی الامکان استفاده کمتر از هوای خشک ، آلوده، کثیف و. . .

بعضی از این موارد بـه ویـژه خـوراکی هـا بـرای همـه حنجره ها و صداها مضر نمیباشند، بـه ایـن معنـی کـه بعضی از آنها برای برخی از حنجره ها ضرر زیادی دارند ولی برای برخی دیگر مشکل آنچنانی بـه وجـود نمـی آورند، (هرچند که در دراز مدت اثـر منفـی خـود را مـی گذارند) و این وابستگی دارد بـه ایـن کـه قـاری از اول حنجره را چطور عادت داده باشد و تا حـدودی بـه نـوع حنجره نیز بستگی دارد.

۲ -شناخت اصولی از اسـتعدادهای صـوتی:

این مورد از نکات بسیار مهم که افراد مبتدی کمتـر بـه آن توجه دارند، به این معنی که یک قاری قبل از اینکه بخواهد از نوار قاریان برجسته مصری استفاده نماید باید به ویژگی ها و خصوصیات صوتی خود پی ببرد، این جز با راهنمایی اساتید با تجربه میسر نمی شود، یعنـی اگـر هماهنگی بین صدای فرد و صدای قاری مورد نظر کـه از او تقلیـد مـی شـود وجـود داشـته باشـد، پیشـرفت و بازدهی کار زیاد خواهد بود بعضی افـراد مشـاهده مـی شود که مثلاً به صـدا و سـبک اسـتاد راغـب مصـطفی غلوش علاقه زیادی دارند و به تقلید از او مـی پردازنـد در صورتی که هیچ تناسبی بـین صـدای آنهـا و قـاری مذکور وجود ندارد و به جهت عـدم آگـاهی از ایـن امـر هرچه تمرین می کنند حتـی بـه موفقیـت نسـبی هـم دست پیدا نمی کنند و در صورت عـدم راهنمـایی ایـن افراد ، بعد از مدتی تمرین و قرائت دلسرد شده و جذب کارهای هنری دیگر می شوند.

در اینجا یادآور می شویم که قاریان مبتـدی در مرحلـه اول از یک تلاوت و آن هـم از یـک قـاری کـه مـورد علاقه خود افرادباشدتقلیدنمایندبشرطی که صدای ایـن افراد متناسب باتلاوت قاری مـورد علاقـه وباتشـخیص استادباشدوبعدا تقلید نمایند که بعد از ملکه شدن آهنگ های آن تلاوت مـی تواننـد از تـلاوت هـای دیگـر آن قاری نیز استفاده نمایند

۳ -تمرین مرتب و مستمر:

این مورد را می توان از مهمترین این نکات نامیـد چـرا که اگر به دو مورد قبلی توجـه و عنایـت ویـژه صـورت گیرد ولی به این مورد کم توجهی شود نتیجـه و فایـده ای نخواهد داشت ، بلکه موجب از بـین رفـتن زحمـات فرد می شود به این معنی که یک قاری قرآن کـریم در برنامه ریزی روزانه خود باید وقت مناسبی را به این امر اختصاص دهد ولی متأسفانه برخی افراد برنامه دقیق و مشخصی نداشته و هروقت فرصتی پیش آید به تمرین می پردازند ، این عملکـرد ، یـا نشـانه عـدم اهمیـت و توجه زیاد به مسئله قرائت قرآن کـریم اسـت و یـا بـه نقش تمرین منظم و مستمر آگاهی ندارند ، که هر چـه باشد نتیجه آن عدم پیشرفت مناسب می باشد.

یک قاری برای اینکه از صدایی پختـه برخـوردار شـود باید در شبانه روز دو مرتبه تمرین داشـته باشـد مرتبـه اول بعد از نماز صبح، البته در این موقع به جهت عـدم آمادگی حنجره برای تلاوت ، ابتـدا ده دقیقـه بـا روش تدویر و سـپس بـه تمـرین بـا روش تحقیـق (صـوت) بپردازد و مرتبه دوم نزدیک غروب و یا شب توصیه می شود، تمرین منظم و مستمر به این معنـی کـه هـر روز دو مرتبه(هر چند به مقدار کم) تمرین صورت گیرد، نه اینکه یک یا چند روز به تمرین زیاد بپردازید و چند روز اصلا تمرین نکنید، که این نه تنها فایده ای برای صدا ندارد بلکه باعث ضرر و زیان می شود.

اصطلاح لحن: اصطلاح لحن در رابطه با مقوله قرائت قرآن کریم به معنی «آهنـگ، نغمـه و بـه طـور کلـی حالاتی است که به صوت داده می شود.» در رابطه بـا صـوت ولحـن مـی تـوان گفـت کـه ایـن دو مکمـل یکدیگرند، به این معنی که اگر قـاری قـرآن کـریم از صوت خوبی برخوردار باشد ولی در رابطه با لحن و بـه طور کلی ، رعایت آهنگ هـای قرآنـی مشـکل داشـته باشد تلاوت او از زیبایی و جـذابیت برخـوردار نخواهـد بود و نیز بلعکس ، اگر در پیـاده کـردن الحـان قرآنـی توانـایی لازم را داشـته باشـد ولـی از صـوت خـوبی برخوردار نباشد باز هم تـلاوت قـاری جـذابیت زیـادی نخواهد داشت.

جهت درک بیشتر وابستگی صوت و لحـن بـه ایـن دو مثال توجه نمایید: نسبت صوت به لحـن را مـی تـوان همانند نسبت دست خطاط به قلم نی دانست، بـه ایـن معنی که صوت را در حکم دست خطـاط و لحـن را در حکم قلم نی فرض کنیم، توضیح بیشتر اینکه هر چنـد ممکن است دست یک خطـاط بـر اثـر تمـرین زیـاد ، پختگی لازم را داشته باشد ولی اگر قلم نی که خطـاط به دست گرفته است مناسب نباشد نمـی توانـد خطـی زیبا به رشته تحریر در آورد و نیز اگر قلم نی او مناسب باشد ولی دست بر اثر عدم تمرین و یا تمرین کم،

پختگی لازم را نداشته باشد باز هم نمی توانـد خطـی زیبا بنویسد و یا می توانیم لحن را به قالب هـایی کـه برای ساختن مجسمه های مختلف از آن هـا اسـتفاده می کنند تشبیه کنـیم و صـوت را بـه مـواد مربوطـه ، همان طور که قالب به مواد شکل می دهد، لحن هـم به صدا شکل می دهـد و آن را بـرای شـنونده زیبـا و جذاب می کند و گرنه صوت هر چند زیبـا باشـد ولـی اگر از لحن مناسب برخـوردار نباشـد هـیچ گـاه بـرای شنونده جذابیت زیادی ندارد، همچنان کـه قلـم نـی و دسـت خطـاط و نیـز قالـب و مـواد مربوطـه مکمـل یکدیگرند، صوت و لحن نیز حکم این دو را دارند.
یک قاری همان قدر که به صـوت اهمیـت مـی دهـد همان قدر ، چه بسا بیشتر ، به لحن نیز توجـه داشـته باشد و توجه و تقویت لحن به این است که در شـروع تمرین از استماع یک تلاوت و بعد از مدتی از اسـتماع تلاوت های استاد مـورد نظـر غفلـت نـورزد ، ایـن در صورتی است که قـاری در ابتـدای راه باشـند و یـا در مرحله ای است که هنوز به نحـو احسـن نمـی توانـد سبک آن استاد را پیاده کند ، در غیر این صورت (اگـر می تواند بر اثر تمرین و تجربـه بیشـتر لحـن اسـاتید مختلف را عملی کند) می توانـد بـرای تقویـت بیشـتر لحن خود از نوارهای اساتید مختلف که از نظر سبک و آهنگ با هم هماهنگی دارند استفاده نماید، این امر تـا زمانی که قاری بی نیاز از سبک های قاریـان مصـری شده و خود بتواند سبک از نـوع تـالیف را بوجـود آورد باید عملی گردد ، در اینجا بد نیسـت بـه ایـن مطلـب اشاره کنیم که مقام معظم رهبری روی این مورد تکیه دارند که قاریان ایرانی تا آنجا باید پیشرفت کنند که از خود بتوانند سبکی جدید بوجود آورند و بتوانند خـود را از قاریان مصری مغنی و بی نیاز ببینند که این بـر اثـر حداقل دوسه دهه تمرین و ممارست زیاد بوجـود مـی آید.

***

در پایان این مبحث به شیوه تمـرین عملـی قرائت قرآن کـریم (یـادگیری سـبک هـای اساتید مصری) با نوار اشاره می کنیم.

یک قاری مبتدی برای اینکـه آهنـگ هـای قرآنـی را زودتر یاد گرفته و بتواند آن ها را عملـی کنـد بایـد بـا شیوه خاصی تمرین نماید (البته بعد از مشخص شدن سبک قاری مصری و نوار خاصـی از آن بـا راهنمـایی استاد) که این امر از دو راه امکان پذیر است.
۱- استماع زیاد نوارهای قاری مـورد نظـر، بـه ایـن معنی که هر چه بیشتر این مورد عملی گردد زودتر ان آهنگ ها ملکه ذهن شده و به تدریج جایگزین آهنگ هایی می شود که تا به حال به صورت فارسی و یا بـا لحن عربی ولی به طور نامنظم در تلاوتمان عملی می کردیم. ۲ -روش بعد که نتیجه و بازدهی آن نسبت به مورد قبلی خیلی بیشـتر اسـت و بایـد در طـول روز وقت معین و مشخصی را به این شـیوه اختصـاص داد این است که ضبط و نوار مربوطه را آمـاده کـرده ، بـه شیوه ذیل تمرین نماییم.
برای یادگیری لحن و آهنگ هر قسمتی کـه بـا یـک نفس خوانده شده است (مثلاً اسـتعاذه، بسـمله و . . .) اجرای مراحل ذیل هر کدام حـداقل ۴مرتبـه پیشـنهاد می گردد؛
۱ -استماع نوار بدون زمزمـه کـردن.۲ -اسـتماع نـوار همراه با زمزمه کردن.۳ -اسـتماع نـوار و قرائـت هـم زمان ، با صدایی پایین تر از صدای قـاری.۴ -اسـتماع نوار و قرائت همزمان، هم صدا با نوار.۵ -استماع نـوار و قرائت همزمان، با صـدایی بـالاتر از صـدای قـاری. ۶ -قرائت همان قسمت بدون استماع نـوار. ۷ -بـرای مطمئن شدن از یادگیری لحن تمـرین شـده آن را بـر روی آیه ی دیگر و یا قسمتی از آن آیـه پیـاده کـرده، اگر توانستید آن را اجرا کنید ، طبیعتـاً آن لحـن ملکـه شده و می توانید دنباله آیه را و یـا آیـه بعـد راتمـرین نمایید، در غیر این صورت باید مراحل فـوق را مجـدداً ولی با دفعات کمتر تمرین نمایید تا از ملکـه شـدن آن لحن اطمینان حاصل شـود .۸ - بعـد از تمـرین یـک چهارم نوار ، آنها را قرائت کرده و ضبط نمایید و سپس با استماع آن و مقایسه بـا تـلاوت قـاری ، اشـکالات موجود را با تمرین بیشتر رفع کنید.
تذکر: الف) در همه مراحل فوق بـه خصـوص مراحـل اولیه باید اضافه بر توجه به لحن ، به چگونگی رعایت قواعد تجوید نیز توجه داشته باشیم.
ب) اگر قبل از تمرین مراحل فوق ، آیـات مربوطـه را حفظ نمایید از نتیجه بهتری برخوردار خواهید شد.
ج) قبل از تمرین، جهت آشنایی با کلیـات تـلاوت، آن را چند مرتبه استماع نمایید.



درد دلی با محبوب دو عالم





به قلم:
احمد سپاهی (طلبه فعلی دارالعلوم زاهدان)

خداوند متعال در قرآن مجید می فرماید: «قُل اِن کُنتُم تُحِبُّونَ الله فَاتَّبِعُونی یُحبِبکُمُ الله»
ای محمد ﷺ! به مردم بگو اگر الله را دوست دارید پس از من پیروی کنید تا خداوند نیز شما را دوست بدارد.

نشستم با چشمانی پر از حسرت، وجودی عاشق و قلبی تپنده که کی وقت آن فرا می رسد که من چهره جهان آرای تو را نظاره گر باشم.

ای رسول الله (صلی الله علیه و سلم) آرزویم اینست که چهره زیبای تو را با دیدگانی اشکبار ببینم و با ادب و احترام روبروی چهره جهان آرای تو نشسته درمورد حالات امتت لب به سخن گشایم؛ اما از این هراس دارم که روزی به شهر زیبایت بیایم و از دور آن گنبد خضرای مدینه را مشاهده کرده و مشتاقانه و شتابان به طرف آن حرکت کنم و به روضه پرنور و معطرت برسم و اجازه ورود نداشته باشم و نگهبانان روضه ات مانع از ورود من شوند. آنگاه گوشه ای نشسته می گریم تا نگهبانان روضه ات دلشان به رحم آید!

ای تاجدار مدینه! غم انتظار عاشق برای دیدن معشوقش بسیار دشوار است. هنگامی که روبرویت نشسته من چگونه به چهره نازنینت نگاه کنم که امروز غم و سوز تو را برای جهانیان بیان نکردم؛ اما باید سخن گفت و راه و چاره ای نیست!

ای رسول الله (صلی الله علیه و سلم) صد سلام و درود و تحیات بر تو بادا! چه باید گفت به پیشگاه جمالت؟ کدام درد امت را باید بیان کرد؟

امت بی وفاگشته و شما را به فراموشی سپرده! سخت است گفتنش که امت صحنه دردناک سنگ خوردن و ناسزا شنیدنت را در طائف فراموش کرده اند.

بغض گلویم را سخت می فشارد! از بیان حالات امت دیگر عاجزم و سخن گفتن سخت و جانکاه است؛ برای رساندن پیام سرشار از دلسوزی و مهربانی ات به تمام گوشه و کناره های دنیا همه چیزم را فدا خواهم کرد.

تو فصیح عالم و من لال تو　　　کی توانم کرد وصف حال تو



تصوف؛ راهی برای پاکی باطن

به قلم مولوی الله یارگنگوزهی (مدرس مدرسه دارالقرآن سراوان)

سپاس بیکران از آن خدایی است که دلهای اولیائش را با نور محبت خود نورانی کرد و ارواح ایشان را با راهنمای شوق به جانب دیدار خود متوجه گردانید و دلهایشان از مشاهده انوار جلالش شیدا و حیران شد و درود و سلام بی پایان بر پیغمبر اولوالعزم که خاتم الانبیا و افضل جمیع اکوان است و بر اولاد و اصحاب او که ضامن و متحمل ارتباط بنی آدم با خالق کائنات است.

اما بعد:

در زمان حاضر اغلب مردم آنچنان اسیر مادیات گشته اند که در افکار و اذهان آنان حتی تصوری از معنویات خطور نمی کند. دانش و علوم فقط در فنون و حرفه های مادی محدود شده است تا جایی که فرهنگ اصیل معنویت جز علوم به حساب نمی آید و عده معدودی که به علوم اسلامی روی می‌آورند آنچنان به ظاهر اکتفا می‌کنند که از باطن و علوم آن بی بهره و بی اطلاع هستند. به همین خاطر علم عرفان و احسان که نتیجه و روح کل ایمان و اسلام است رخت سفر بسته و از دنیا کوچ نموده است و همانند عنقاء ناپدید گشته است. در چنین شرایطی لازم بود تا باری دیگر شهسواری مانند مولانامحمدعمرسربازی رحمةُ الله علیه پا به عرصه وجود گذاشته و حقیقت احسان و عرفان را آشکار سازد.

درکفی جام شریعت درکفی سندان عشق
هر هوسناکی نداند جام و سندان باختن

جایگاه تزکیه و احسان در کتاب و سنت

اگر ما به کتاب و سنت و عصر صحابه و تابعین رجوع کنیم و قرآن و احادیث را مورد مطالعه قرار دهیم، خواهیم دید که قرآن کریم، عرفان و احسان را به عنوان شعبه‌ای از وظایف نبوت یادآور می شود و آن را به «تزکیه» تعبیر نموده و جزء وظایف چهارگانه ی به شمار می آورد که رسول الله صلی الله علیه و سلم برای محقق کردن و به کمال رسانیدن آنها مبعوث شده است. قرآن کریم می فرماید: «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمةَ و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین»

و اما دلیل ثبوت بیعت مشایخ صوفیه: «عن عوف بن مالک الاشجعی (رضی الله عنه) قال کنا عند النبی (صلی الله علیه و سلم) تسعةً او ثمانیةً او سبعةً فقال: الا تبایعون رسول الله (صلی الله علیه و سلم) فبسطنا ایدینا فقلنا: علی ما نبایعک یا رسول الله قال: علی ان تعبدوا الله و لاتشرکوا به شیئا و تصلوا الخمس و تسمعوا و اطیعوا» [روایت مسلم ، ابوداود و نسائی]

و اما نزد بعضی از محققین بیعت سنت است. امام قشیری رحمه الله در رساله قشیریه می فرماید: کسی که به دست استادی در بیت نیافته است هیچگاه روی کامیابی را نمی‌بینند. خواجه سلطان العارفین شیخ بایزید بسطامی رحمه الله می فرمایند: هر که برای استادی نباشد امام او شیطان است. ابوعلی دقاق رحمه‌الله می‌گوید: درخت چون خود رو می شود بدون دخالت کشاورز برگ و تنه خوب می آورد ولی ذوق و کیفیت ثمرش مثل آن درخت نمی‌باشد که درخت کاشته شده آورده است.

هیچ کس از خود به خود چیزی نشد
هیچ آهن خنجر تیزی نشد
هیچ شکرریزی نشد استاد کار
تا که شاگرد شکرریزی نشد
مولوی هرگز نشد مولای روم
تا غلام شمس تبریزی نشد

علامه قطب‌الدین دمشقی رحمه الله می گوید: بدان که تذکر به تقلید چیزی دیگر است و به تحقیق چیزی دیگر. علامه شعرانی رحمه الله در انوار قدسیه می فرماید: تمام اهل طریقت اتفاق نظر دارند بر لزوم داشتن شیخی برای اصلاح خود از صفات ذمیمه که مانع ارتباط او با خدایند. حضرت شیخ نجم الدین کبری (رحمه الله علیه) می فرمایند: اگر چکش و سندان و وسیله دمیدن و زغال همه جمع شوند ولی استاد عمل آهنگر نباشد وجود هیچ ثابت نمی گردد. یعنی همینطور اگر کسی تمام کمالات و علوم داشته باشد بدون شیخ اصلاح کامل برای او مشکل است.

بزرگی می فرماید:

شرف خواهی به گرد مقبلان گرد
چه زود از مقبلان مقبل شود مرد

دیگری می فرماید:
هیچ کس را نیست ره سوی وصال
تا نباشد رهبرش صاحب کمال
راهنما آن است که آن ره دیده است
در منازل های جان گردیده است
منزل امن و خطر دانسته است
از بد و نیک جهان وارسته است

پس حاصل و ثمره بیعت این می‌شود که در نسبت آن شخص یک نوع اتصالی پیدا میشود و عبادات رو مثمر ثمر تر می گردند و راه دراز او به برکت رهنما و رهبر کوتاه می گردد.

طبق قول شاعر:
مور مسکین هوسی داشت که در کعبه رسد
دست در پای کبوتر و زد و ناگاه رسید

و از خطر های این وادی پر خار و دزدان و چپاولگران نفس و شیطان محفوظ می شود چنانکه یک نفر در راه به بسیاری از خطر ها دچار می شود و چون همراهی دیگر داشته باشد مطمئن تر می شود.

از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم انواع مختلف بیعت به اثبات رسیده است .

۱ -بیعت ایمان و اصول دین، چنانچه در بیعت اهل عقبه و غیرهم ثابت است.
۲ -بیعت جهاد که بسیار است.
۳ -بیعت در ترک معاصی از جمله شرک و بهتان و قتل اولاد و زنا و غیره
۴ -بیعت بر هجرت
۵ -بیعت تمسک به سنت و اجتناب از بدعت
۶ -بیعت مقاومت در میدان جهاد

پس کسانی که میگویند غیر از بیعت ایمان جهاد چیز دیگری ثابت نیست اشتباه کرده‌اند و بر آیات و احادیث و حتی مقاصد دین بصیرت کامل حاصل نکرده اند .

بیعت کردن از حسن و خوبی خالی نیست،

شخصی که با شیخ طریقت دست بیعت میدهد همانند کسی است که در مدرسه ثبت نام کرده و از دانش آموزان به شمار می‌رود و از طرفی دیگر شخص بیعت کننده با دادن دست بیعت در زمره اولیا الله ملحق می گردد که این هم نعمت بسیار بزرگی است. به گفته شاعر که می فرماید:

گرچه از نیکان نِیَم خود را به نیکان بسته ام
در بهار آفرینش غنچه گلدسته ام

دیگری اینگونه می سراید :
أُحبُّ الصَّالحینَ وَ لَستُ منهم
لعلّ الله یرزقنی صلاحًا

منکرین تصوف

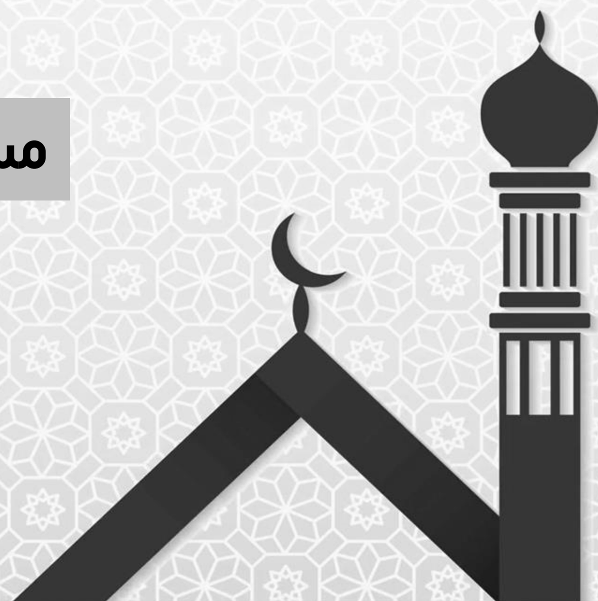
گروهی تصوف را نوآوری در دین گفته اند. پس باید دانست که منکرین تصوف هر چه هستند نه در مقامی هستند که لیاقت اجتهاد داشته باشند که نظر آن ها دلیل و برهان باشد و نه جزء عالمان حقیقی هستند که بدون تعصب حقایق را بیان می کنند و نه از صوفیان واقعی هستند که حرف آن ها با دلیل و قابل قبول باشد. به قول مولانا احمدعلی لاهوری رحمه‌الله منکرین تصوف به منزله دزدان هستند که می خواهند جزء بزرگی از دین را خارج کنند که در واقع متعلق به دین است. انکار تصوف به خاطر نبود علم کافی و جانبداری نادرست و نرسیدن به این مقام است. «النّاسُ اعداءُ لما جَهلوا»

نقشبندیه عجب قافله سالارند
که براندار ره پنهان به حرم قافله را
ناقص میگر کند این قافله را طعن قصور
حاش لله که بر آرم به زبان این گله را
همه شیران جهان بسته این سلسله اند
روبه از میان چون بگسلد این سلسله را

حضرت شیخ الحدیث مولانا عبیدالله افروخته (حفظه الله) فرمودند:
هدف از بیعت تهذیب نفس و قطع تعلق از غیر الله و اتباع سنت میباشد و اسباب را در حد سبب بداند و همیشه به ذکر مشغول باشد و خود را از غفلت دور داشتن با ذکر زبانی خواندن ادعیه و ....
تصوف به همین چیز گفته می شود؛ وقتی انسان ذکر قلبی می کند؛ انوارات اسم الهی بر قلب او نازل می شوند و اگر آهن در آتش گذاشته شود؛ رفته رفته آهن مثل آتش می شود؛ ذکر قلبی همین تأثیر را دارد و اصل چیز در این راه نیت است که به چه نیتی بیعت می کند . باید نیت از بیعت تهذیب نفس و اتباع سنت باشد.

مسئولیت علما در نیابت نبی 

گردآورنده: اسماعیل شیخی
برگرفته از کتاب "مواعظ حکیم الامهٔ"



امتهای پیشین حالتشان اینگونه بوده که هر گاه از زمانه نبوت فاصله می گرفتند امور دینی مانند عبادات و ... در میان آنها از روح و حقیقت خالی و مانند عادات تقلیدی می گشتند و انجام آنها صرفا بنابر عادت تقلیدی بود. برای اصلاح این گمراهی پیامبری دیگر مبعوث می گردید که او این عادات تقلیدی را از بین ببرد و امت را به سوی حقیقت اعمال و روح حقیقی شریعت رهنمون کنند. زمانی که رسول الله (صلی الله علیه و سلم) به عنوان آخرین پیامبر مبعوث گردید وضع پیروان ادیان آسمانی گذشته در آن زمان درست همینگونه بود؛ به طوری که از شریعتی که هر پیامبر برای امت خود آورده بود تنها چند رسم و عادت تقلیدی بی روح در نزد آنها باقی مانده بود و همین رسوم را آنها دین و شریعت می پنداشتند. رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) این عادات و رسومی را آنها به آن خو گرفته بودند ابطال نموده و به تعلیم حقایق دینی و احکام پرداختند.

اکنون امت محمدی نیز به این بیماری مبتلا گشته؛ حتی که در عباداتش نیز این عادت و تقلید نفوذ کرده است. تعلیم دین که در واقع باید وسیله ای برای اصلاح تمام این مفاسد می بود، آن نیز در بسیاری از جاها به شکل رسم و عادت در آمده، اما از آنجا که سلسله نبوت پایان یافته مسئولیت اصلاح اینگونه عادات و رسوم بر دوش علمای این امت که نائبان و وارثان پیامبرند نهاده شده است. پس **بر آنها لازم است که برای اصلاح گمراهی و فساد بکوشند و طریقه و وسیله آن تصحیح نیت و دوری از ریا است**. چراکه این اعمال زمانی به شکل رسم و عادت در می آیند که در آنها للهیت، اصلاح و صفت عابدین نباشد.

به وسیله تصحیح نیت جهت اعمال، درست شده و فقط به سوی الله تعالی متوجه می گردند و به جای عادات و رسوم ظاهری ، اعمال حقیقی و روح دار پیدا می شود. مقصود اینکه مردم را به سوی تصحیح نیت متوجه ساختن و تلاش برای ایجاد للهیت ، اخلاص و حقیقت در اعمالشان از وظایف علماء امت و حاملان دین می باشد. اگر دیدید که جایی علما و صلحا با درد و فکر متوجه این کار نمی شوند بدگمانی را نسبت به آنها در دلتان جای ندهید بلکه بدانید که اهمیت این کار تاکنون برای آنها واضح نشده است. همچنین بدانید که چون آنها خدمت گذاران خاص دین هستند، از این رو شیطان نسبت به آنها بیشتر دشمنی و عداوت می کند. دزد برای دزدی سراغ چیز گرانبها می رود.



جنگ حنین ؛ آزمون سخت مسلمانان

به قلم
سیف الله رئیسی

جنگ حنین آن سرنوشتی بود که خداوند متعال برمسلمین رقم زد تا مسلمانان متوجه شوند که دین اسلام قدرت دیگری غیراز قدرت اسباب و مادیات دارد؛ همانطوری که در جنگ سرنوشت ساز بدر به جهانیان ثابت کرد که قدرت اسلام فراتر از قدرتهاست. قدرت اسلام از اسبابی نیست که اهل دنیا به آن پناه برده اند. بلکه قدرت دین اسلام قدرتی است از جانب خداوند متعال.

جنگ حنین یک درس مهم بود برای مسلمانان تا آنها بفهمند که دین اسلام را خداوند با قدرت خویش حفاظت میکند تا مسلمانان فریب زیادی عدّه و اسباب خودشان را نخورند.

الله تعالی می فرماید: «اِذ اَعجَبَتکُم کَثرَتُکُم» زمانی که شما را زیادی تان به شگفتی انداخت. یعنی مسلمانان فریب کثرت خود را خوردند که ما در این جنگ هم تعدادمان زیاد است و هم وسائل جنگی زیادی داریم، پس ما در این جنگ پیروز هستیم. خداوند فوراً مسلمانان را متوجه کرد؛ زمین را برایشان تنگ کرد و آنها پا به فرار گذاشتند. سپس الله تعالی بر قلب رسول الله (صلی الله علیه و سلم) و قلوب مسلمین تسلی و آرامش بخشید و برای مدد آنها لشکری از فرشتگان فرستاد.

واقعه جنگ از این قرار بود که در رمضان سال ۸ هجری قمری وقتی که مکه فتح شد و قبیله قریش در مقابل رسول الله (صلی الله علیه و سلم) تسلیم شدند در میان اقوام عرب قبیله ثروتمندی بود که به دلیری و جنگجویی مشهور بودند و گروهی از آن قبیله به نام بنی ثقیف معروف بود در طایف سکونت داشتند. فتح مکه و پیروزی مسلمانان رعب و وحشتی را در قلب عرب به ویژه قبیله بنی ثقیف انداخت و برای نجات از حمله مسلمانان به چاره اندیشی پرداختند؛ آنها می دانستند که بزودی مسلمانان به طرف آنها پیشروی می کنند و تصمیم گرفتند تا قبل از حمله مسلمانان بر آنها حمله کنند. به همین منظور مشغول آمادگی برای جنگ و تهیه تجهیزات جنگی شدند.

رهبر این حرکت شخصی به نام مالک بن عوف که بعدا مسلمان شد؛ او برای استحکام بخشیدن به پیمان تدبیری اندیشید و به همه همراهان خود دستور داد تا با اهل و عیال و اموال خود حرکت کنند تا کسی از جنگ نگریزد.

درباره آمار این گروه اقوال مختلفی آمده است به طوری که حافظ ابن حجر آمار آنهارا بالغ بر ۲۴ تا ۲۸هزار نفر دانسته است و بعضی دیگر کمتر و بعضی بیشتر گفته اند. . به هر حال رسول الله (صلی الله علیه و سلم) از تصمیم آنها با خبر شد و برای مقابله با آنها تصمیمی گرفتند. آنحضرت (صلی الله علیه و سلم) به همراه ۱۴ هزار نفر از صحابه به سوی این گروه حرکت کردند. ششم شوال آنحضرت (صلی الله علیه و سلم) به قصد جهاد از مکه حرکت کردند و وقتی که لشکر اسلام به منطقه حنین رسید توقف کردند.

رسول الله (صلی الله علیه و سلم) به حضرت عبدالله بن حداد ماموریت داد که از اوضاع و احوال دشمن خبرگیری کند و در میان آنها دو روز بماند وهمه حالات دشمن را کسب کرد.
مالک بن عوف که فرمانده آن لشکر بود می گفت: محمد (صلی الله علیه و سلم) تاکنون به افرادی بهادر و جنگجو روبرو نشده است؛ بزودی آنها را خواهد دید. همه به هنگام صبح به گونه ای صف آرایی کنید که زن و فرزندان شما پشت سرتان قرار گیرند و شما در صف مقدم شمشیر ها را از غلاف بیرون کشیده و جملگی به یکبار حمله کنید.

اما این نخستین جهاد مسلمانان بود که لشکرآنها متشکل از ۱۴ هزار نفر با وسائل و ابزار جنگی بیش از هر وقت مجهز شده بودند. مسلمانان در معرکه های بدر و احد دیده بودند که تنها ۳۱۳ نفر بدون ساز و برگ بر سپاه ۱۰۰۰ نفری دشمن پیروز شده بودند؛ به همین سبب در دل بعضی این گمان پدید آمد و اینگونه کلمات از زبان بعضی به گوش رسید که امروز ممکن نیست که ما از دشمن شکست بخوریم. این مورد پسند خداوند متعال واقع نشد که مسلمانان نباید برنیروی خود متکی و مطمئن باشند.

به طوری که مسلمانان را به خاطر این گمان درس عبرتی داده و هنگامی که سپاهیان مهاجم دشمن مطابق برنامه قبلی بر مسلمانان حمله کردند گروهی از آنها که در کمینگاه ها پنهان شده بودند از چهارسو بر مسلمانان حمله کرده و آنها را به شدت تیرباران کردند به گونه ای که میدان جنگ را گرد و غبار گرفت و لشکر دشمن روز روشن را بر مسلمانان چون شب تاریک کردند.
در این هنگام عرصه بر مسلمانان تنگ شده و اکثر آنان پا به فرار گذاشته و عقب نشینی کردند. رسول گرامی (صلی الله علیه و سلم) همچنان پیشروی می کرد که تعداد صحابه به ۳۰۰ نفر هم نمی رسید و بعضی تعداد آنها را کمتر از ۱۰۰ نفر نیز گفته اند و آنها در کنار پیامبر (صلی الله علیه و سلم) ایستادگی کردند و از ایشان خواستند که از پیشروی بپرهیزد.
نبی اکرم (صلی الله علیه و سلم) با مشاهده این صحنه به حضرت عباس (رضی الله عنه) دستور داد که با صدای بلند صحابه کرام را که در حال عقب نشینی بودند فرابخواند؛ به ویژه آن کسانی که در زیر درخت برای جهاد بیعت کرده بودند. حضرت عباس (رضی الله عنه) همه را صدا زد و گفت رسول گرامی (صلی الله علیه و سلم) اینجا تشریف دارند. صدای بلند و برق آسای ایشان در فضا پیچید و همه افرادی که در حال عقب نشینی بودند با شجاعت و دلاوری مضاعف به سوی رسول الله (صلی الله علیه و سلم) برگشتند و دوباره در مقابل صفوف فشرده دشمن قرار گرفتند. در این هنگام امداد غیبی الله تعالی به صورت لشکریان فرشته به کمک مسلمانان آمدند.
مالک بن عوف که فرماندهی سپاه دشمن را بر عهده داشت، چون قوای خود را در حال شکست و نابودی دید زن و بچه و دیگر اموال خود را رها کرده و گریخت و در قلعه طائف پنهان شد و افراد او نیز گریختند و بسیاری به هلاکت رسیدند.
رسول الله (صلی الله علیه و سلم) از آزار و اذیت آنهایی که زخمی و اسیر شده بودند منع فرمود. همه اموال دشمن به دست مسلمانان افتاد و ۶ هزار جنگجو اسیر شدند و ۴۰ هزار گوسفند و ۴ هزار اوقیه نقره به غنیمت مسلمانان در آمد.





مصعب بن عمیر 

روایت سفر جوانی ثروتمند به سوی ساحل آرامش اسلام

به قلم:
مرادمحمد گمشادزهی

گل سرسبد جوانان قریش، جوانی خوش قیافه که هم نشینی با او آرزوی همگان بود؛ خوشبویی که چون بر کوچه و بازار های مکه قدم می نهاد، بوی خوشش توجه همگان آن را به سوی خود جلب می نمود. همان جوان شیک پوشی که با برخورداری از قیافه متناسب و پوشیدن لباس های رنگارنگ همچون گل زیبا و خوشبویی بود که برای همه خوشایند بود.

او در خانه یکی از بزرگان عبدالدار و پدر و مادری شریف و بزرگوار دیده به جهان گشوده بود. پدرش از نظر ثروت و شکوه در میان اقوام از جایگاه خاصی برخوردار بود؛ مادرش دخناس دختر مالک بود. او بسیار ثروتمند و پر ابهت بود. او تمام حرکات مصعب را زیر نظر داشت و آن را از زیباترین لباس ها و امکانات برخوردار می کرد؛ به گونه ای که او در شهر مکه انگشت نما بود. حضرت مصعب در نزد مادر در از منزلتی ویژه برخوردار بود و طوری که مورخین نوشته اند خوشبوترین و شیک پوش ترین و زیباترین جوان مکه بود. چون در کوچه های مکه قدم برمی داشت نظر مردم را به سوی خود جلب می کرد. با خاطری آسوده در زندگی بسیار مرفهی به سر می‌برد لذتهایی او را در بر گرفته بود و از هیچ کدام بی نصیب نبود. شب ها را با عیش و ناز و نعمت به صبح می رساند و هیچ دغدغه‌ای آرامش او را بر هم نمی زد. در مجالس و محافل اهل مکه چون مرواریدی می‌درخشید و همیشه در صدر مجلس می نشست.

همه او را دوست داشتند و از صحبتش لذت می بردند تا اینکه بلاخره برگه زندگی او ورق خورد و تحولی همه جانبه زندگی او را را در بر گرفت. مثل بسیاری از جوانان دیگر مکه خبر بعثت رسول خدا را شنیده بود با وجود برخورداری از ناز و نعمت دنیا ضمیر حقیقت جویش همچون آهن ربایی او را به طرف واقعیت ها کشاند و به تفکر و تدبر وادار نمود؛ او با تفحص و جستجو دریافت که حق با محمد ﷺ است و باید برای رسیدن به آن، با زانوی ادب در مقابل رسول خدا صلی الله علیه و سلم بنشیند.

بدون هیچ درنگی خود را به رسول خدا صلی الله علیه و سلم رساند و با شرکت در کلاس درس رسول خدا صلی الله علیه و سلم مجذوب آیات و مضامین قرآنی شد. در خیلی از مجالس شرکت نموده بود و حتی در بسیاری از آنها همچون نگینی در انگشتر مورد توجه قرار می گرفت. اما این مجلس کجا و آن مجالس کجا؟ در آن مجالس با وجود طرب و و ساز و موسیقی و رقاصی طاقت او طاق می گشت و حوصله اش سر میرفت و دلسردی و خستگی بر او مستولی می گشت اما در این مجالس از آن صداهای عجیب و غریب خبری نبود. برعکس هرچه

مجلس به آخر می رسید اشتیاقش بیشتر میشد و روح و روانش آسوده تر می گشت. در این مجلس تحت انوار وحی با اشتیاق ذوب میشد و معنویت این مجلس تمام لذت های گذشته زندگی را در نظرش تلخ می نمود و او را دچار عذاب وجدان می کرد. او سر فرو افکنده بود و خود را ملامت می نمود و از درون می سوخت که ناگاه دست مهربان و پر عطوفت رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) بر سینه اش نشست و او را دلداری داد. رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) به سان آب سردی بود که بر سینه ی پر از شراره اش کشیده شد؛ با تمام غم ها، کدورت ها و اثرات شرک و الحاد را از او دور نموده و صفا و ایمان و اخلاص را به او هدیه کرد. سرش را بلند نمود و چهره نازنین رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) را مشاهده کرد و خوشحال شد. با گذاشتن دست در دست رسول خدا (صلی الله علیه و سلم)، آمادگی خود را برای اجرای هر دستوری اعلام نمود؛ ولی پذیرش اسلام برای هر شخص از اهل مکه مصادف میشد با روبرو شدن با مشکلات مختلفی که از طرف مشرکین مکه بر آنها تحمیل می گشت؛ علاوه بر تمام آن مشکلات، یک مشکل خصوصی داشت که خیلی نسبت به آن نگران بود؛ او مثل بقیه سعی می کرد اسلامش را مخفی نماید تا از آماج آزار و اذیت های کفار در امان بماند؛ البته او از هیچکس به اندازه مادرش واهمه نداشت و تحمل اذیت همه کفار برایش راحت تر از فشار و سخت گیری های مادرش بود.

تا اینکه عثمان بن طلحه ابدری مادرش را باخبر کرد که مصعب ایمان آورده است این خبر بسان رعد و برقی بر مادر اثر نمود و او را از خود بی خود ساخت و سبب شد مصعب را احضار کند. مادرش که از فرط ناراحتی دیوانه شده بود؛ سیلی محکمی بر صورت مصعب نواخت تا داستان همیشگی باطل در مقابل حق را تکرار نماید. تاریخ ثابت کرده که باطل همیشه در مقابل حق فقط از زور و اجبار استفاده کرده و هیچ گاه به منطق و بینش نیندیشیده است. همیشه حق را با گلوله و منطق را با ارعاب و سرکوب و فشار جواب داده است. اما مصعب هم این را آموخته که شکنجه در راه وصال و رسیدن به محبوب لذتی خاص دارد.

او آموخته که حق با تلخی ها و مرارت ها بهتر به دست می آید. او می داند که:

چون تو در قرآن حق آویختی
با روان انبیا آمیختی
چیست قرآن خواجه را پیغام مرگ
دستگیر بنده بی ساز و برگ
از قرآن حق تو را آید بقا
بازیابی از فنا رنج غنا

مصعب با تدبیری حکیمانه از قید و بندهای مادر نگهبانان فرار نموده و به حبشه هجرت کرد. همان نازپرورده ای که تمام ناز و نعمت دنیا را بخاطر قبول اسلام فدا نمود و فشارهای طاقت فرسای مادرش نتوانست او را از فکر و نظرش برگرداند. با همان مبلغ اندکی که توانست با زحمات زیاد به دست آورد زندگی مبارک خود را گذرانید .

شهادت افتخار آفرین مصعب بن عمیر در جنگ احد

در جنگ احد پرچم لشکر کفر به دست طلحه بن ابی طلحه بود؛ رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) مصعب بن عمیر را صدا زدند و پرچم را به او دادند. او پیشاپیش رسول خدا حرکت می نمود؛ رسول خدا سربازان را منظم می کرد .در هنگام جنگ پرچم در دست راست مصعب بود؛ در همین موقع دست راست مصعب که پرچم را حمل می کرد مورد اصابت شمشیر قرار گرفت و قطع شد مصعب پرچم را به دست چپ گرفت و به دست راست خود توجهی نکرد؛ ابن قمئه دست چپ اورا هم قطع کرد؛ پرچم را با باقی مانده بازوان خود به سینه چسباند؛ در حالی که آیه « و ما محمدٌ الّا رسول قد خَلَت من قبله الرسل» را تلاوت می نمود ابن قمئه با ضربه ای محکم او را همراه پرچم نقش بر زمین کرد.

جنازه حضرت مصعب جلوی دیدگان رسول الله (صلی الله علیه و سلم) گذاشته شد؛ آنحضرت (صلی الله علیه و سلم) نگاهی غم‌انگیز به جنازه انداخت و در حالی که اشک از چشمان مبارک جاری بود فرمودند:

به راستی تو را در مکه دیدم در حالی که کسی از نظر لباس شیک پوش تر و از نظرمو زیباتر از تو نبود؛ ولی هم اکنون تو را در لباسی فرسوده و پریشان می بینم؛

صحابه (رضوان الله علیهم اجمعین) عرض نمودند: یا رسول الله کفن حضرت مصعب از جسد او کوتاهتر است؛ چه کنیم؟ رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) فرمودند: سرش را بپوشانید و بر روی قدمهایش علف بریزید.



به قلم: اسلم بلوچی

شهسوار اسلام؛ عبدالله بن زبیر رضي الله عنه

عبدالله بن زبیر ، عالمی بی نظیر ، مبلغی خوش سخن و شهسواری شجاع بود. سخن از یکی از یاران محمد مصطفی (صلی الله علیه و سلم) است. پدر عبدالله یکی از عشره مبشره و پسر عموی آنحضرت (صلی الله علیه و سلم) و یکی از اعضای شورا (برای انتخاب خلیفه سوم) می باشد. زبیر (رضی الله عنه) در سن ۱۶ سالگی اسلام آورد و در تمامی غزوات همراه و همرکاب رسول الله (صلی الله علیه و سلم) بود. مادر ایشان اسماء (رضی الله عنها) دختر ابوبکر صدیق (رضی الله عنه) و خواهر بزرگ ام المومنین عایشه صدیقه (رضی الله عنها) می باشد. اسماء در زمان هجرت رسول الله (صلی الله علیه و سلم) از قبل توشه دانی برای هجرت آنحضرت (صلی الله علیه و سلم) و پدر ابوبکر صدیق (رضی الله عنه) آماده کرده بود که آن را با تکه پارچه ای که از کمربند خود که قطع کرده بود بست؛ به همین دلیل به (ذو النطاقین) مشهور شد.

حضرت اسماء (رضی الله عنها) مادر حضرت عبدالله بن زبیر می گوید: من زمانی که هنوز در مکه مکرمه بودم عبدالله را حامله شدم و بعد از هجرت در منطقه قبا او را به دنیا آوردم. بعد از تولد عبدالله آن را خدمت رسول الله (صلی الله علیه و سلم) بردم و ایشان او را گرفته و با جویدن خرما او را تحنیک نموده و خرمایی را که در دهان مبارک خود جویده بودند، در دهان عبدالله گذاشتند و اولین چیزی که در دهان عبدالله رفته و وارد شکم او شد آب دهان مبارک آنحضرت (صلی الله علیه و سلم) بود. آنحضرت (صلی الله علیه و سلم) برای عبدالله دعای خیر و برکت نمودند. از آنجا که یهودیان در میان مسلمانان شایعه کرده بودند که ما مسلمانان را سحر و جادو نموده ایم تا برای آنها فرزندی متولد نشود؛ با به دنیا آمدن عبدالله تمامی مسلمانان خوشحال شده و با نعره تکبیر شادی خود را اظهار نموده و ابوبکر نوه نورسیده خود را در شهر می گرداند تا دروغ یهود برملا شود و همه مسلمانان ایشان را ببینند.

وقتیکه عبدالله به سن هفت سالگی رسید به دستور پدرش حضرت زبیر برای بیعت با آن حضرت (صلی الله علیه و سلم) به خدمت ایشان حاضر شد. آنحضرت (صلی الله علیه و سلم) با مشاهده ی این نونهال تبسم نمود

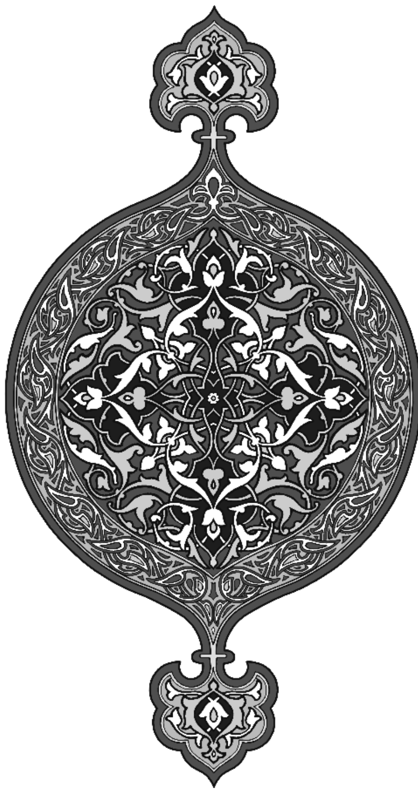
و با او بیعت کرد. خاله ایشان حضرت عایشه (رضی الله عنها) در منزل پیامبر (صلی الله علیه و سلم) بود و به همین دلیل همیشه به منزل ایشان رفت و آمد می کرد و از محضر رسول الله (صلی الله علیه و سلم) کسب فیض می نمود.

عادت آنحضرت (صلی الله علیه و سلم) این بود که افراد زیر پانزده سال را به جنگ نمی برد و عبدالله نیز در زمان وفات آنحضرت (صلی الله علیه و سلم) ۱۱ سال سن داشت؛ ایشان نتوانست در هیچ جنگی با آنحضرت (صلی الله علیه و سلم) شرکت کند؛ اما در زمان خلافت جدش ابوبکر صدیق (رضی الله عنه) در جنگ یرموک به همراه پدرش به نبرد با لشکر روم شتافت و بعد از پایان جنگ جهت مداوای بیماران و کمک نمودن به مسلمانان مجروح اقدام نمود؛ وی گرچه در نبرد مسلحانه شرکت نداشت اما در همان دوران جوانی با میدان کارزار و شمشیرزنی و جنگ با دشمن به خوبی آشنا بود؛ زیرا فرزند کسی است که افتخار این را دارد که اولین فرد در مکه مکرمه میان مسلمانان است که برای دفاع از آنحضرت (صلی الله علیه و سلم) شمشیر کشید. روزی در زمان امیرالمومنین عمربن خطاب (رضی الله عنه) همراه تنی چند از همسن و سالانش مشغول بازی بودند که خلیفه از کنار آنها گذر نمود؛ از آنجاکه عمربن خطاب (رضی الله عنه) دارای شوکت و هیبت خاصی بود، همگی دوستان عبدالله فرار کردند ولی او همچنان در جای خود ایستاده بود؛ امیرالمومنین از او پرسید: تو چرا فرار نکردی؟ عبدالله با نهایت دلیری در جواب گفت: جرمی مرتکب نشده ام که از شما بترسم و فرار کنم و کوچه هم تنگ نیست که من جهت بازنمودن راه به گوشه ای بروم.

عبدالله در زمان خلیفه سوم عثمان بن عفان (رضی الله عنه) اقدامات تحسین برانگیزی را انجام داد. حضرت انس بن مالک می فرماید: جهت گردآوری قرآن چهار نفر را ماموریت دادند که آن چهار نفر عبارتند از: زید بن ثابت، عبدالله بن زبیر، سعید بن عاص و عبدالرحمن بن حارث که در ضمن به آنها امر شد که اگر در این میان نسبت به آیه ای اختلاف کردید پس آن را به زبان قریش بنویسید زیرا قرآن به زبان قریش نازل شده است. در زمان حضرت عثمان بن عفان (رضی الله عنه) مسلمانان جهت فتح آفریقا و هدیه نمودن اسلام به مردمان آن دیار لشکرکشی نمودند؛ مدتی گذشت ولی خبر تازه ای از لشکر اسلام برای خلیفه رصد نمی شد. خلیفه سوم جهت آگاهی ازحالت آنها و کمک‌رسانی به لشکر اسلام عبدالله بن زبیر را با گروهی به آن دیار فرستاد. عبدالله نیز با سرعت به محل ماموریت شتافت. لشکر اسلام با دیدن عبدالله یارانش خوشحال شده و خوشحالی خود را با نعره الله اکبر بروز دادند. از آن سو در لشکر کفار فرمانده آنها به نام جرجیر موضوع تکبیر و سر و صدای مسلمانها را جویا شد؛ در جواب دروغ گفتن ظاهراً نیروی کمکی به آنها رسیده است؛ عبدالله در میدان جنگ مشاهده نمود تشکر از صبح تا ظهر با هم می جنگند و نزدیک ظهر بر اثر خستگی و شدت گرما هر لشکر به خیمه خود جهت استراحت می آید؛ همچنین خبر دار شد که جرجیر درمیان لشکر خود اعلام نموده که هر فرد سر فرمانده لشکر مسلمانان یعنی عبدالله ابن سعد را بیاورد ۱۰۰ هزار دینار جایزه دارد و دخترش را نیز به عقد او در می آورد؛ از این سو عبدالله بن زبیر با اجازه فرمانده لشکر اسلام اعلام نمود که هر سرباز از مسلمان ها که سر جرجیر را بیاورد من به او صد هزار دینار جایزه داده و دختر جرجیر را به عنوان غنیمت به او می‌دهم و او را در سرزمین جرجیر به عنوان استاندار باقی می گذارم. زمانی که جرجیر از این ماجرا با خبر شد و ترس سراسر وجودش را فرا گرفت.

سپس عبدالله به فرمانده لشکر اسلام گفت: با این شیوه و تاکتیک جنگی کار به جایی پیش نمی رود، زیرا دشمن در مقر حکومتش و نزدیک به نیروهای مرکزی خود است؛ ولی ما از مرکز اسلامی فاصله داریم، به نظر من باید لشکر را به دو گروه تقسیم نموده و گروهی بنا بر عادت گذشته تا ظهر با دشمن به جنگند و گروهی دیگر به حالت آماده باش در خیمه ها منتظر بازگشت گروه اول باشند و زمانی که هر دو لشکر اسلام و کفر برای استراحت به خیمه های خود می‌روند گروه دوم که تازه نفس و آماده است به لشکر کفار حمله ببرند و آنها را غافلگیر کنند و به خواست الله تعالی کار دشمن خسته و در حال استراحت یکسره خواهد شد. این نظر عبدالله مورد پسند بزرگان و فرماندهان لشکر واقع شده و فردای آن روز طبق نقشه قبلی وارد میدان نبرد شدند؛ هنگام ظهر زمانی که لشکر اسلام و کفر بعد از نبردی سهمگین به خیمه ها برمی گشتند عبدالله به همراه سوارکاران تازه نفس به خیمه های کفار حمله بردند و آنها را از دم تیغ

گذراندند و جرجیر را به قتل رساند و دخترش را اسیر نمود.
در این جنگ با تدبیر عبدالله لشکر اسلام به پیروزی رسید و سهمیه هر سوارنظام ۳ هزار دینار و سهمیه هر پیاده هزار دینار مقرر گردید.
علامه ابن کثیر رحمه الله می گوید این اولین میدان بزرگی بود که عبدالله در آن به شهرت رسید و استعدادهای جنگ او بروز پیدا کرد؛ همچنین عبدالله زمانی که خلیفه مظلوم عثمان بن عفان در شهر حرم نبوی و در ماه حرام در خانه اسیر بود و از طرف شورشی ها اجازه آمدن به مسجد را نداشت به همراه مروان بن حکم پسر عموی حضرت عثمان و حسن و حسین فرزندان حضرت علی از خلیفه محافظت نموده و در این راه در زمان درگیری با شورشی ها زخم‌هایی نیز برداشت و مسئولیت برگزاری نماز جماعت در خانه بر عهده عبدالله ابن زبیر بود.
در جنگ جمل که در ابتدای خلافت حضرت علی بخاطر شیطنت سبائی ها و در راس آنها عبدالله بن سبا یهودی به وقوع پیوست عبدالله در رکاب پدرش و جهت دفاع از خاله‌اش ام المومنین عایشه (رضی الله عنها) در لشکر قرار داشت که در این نبرد ناخواسته زخم‌های زیادی بر داشت.
در زمان خلافت امیر معاویه عبدالله در لشکری که به فرماندهی یزید ابن معاویه جهت فتح قسطنطنیه ترکیه کنونی در حرکت بود به همراه میزبان پیامبر حضرت ابو ایوب انصاری و حسین بن علی و عبدالله بن عباس و عبدالله بن عمر و جمع دیگری از صحابه کرام به آن دیار رفتند و از خود رشادت هایی به خرج دادند.
عبدالله (رضی الله عنه) شخصی لاغر اندام و میانه قد بود. از کثرت عبادت بر روی پیشانی مبارکش اثر سجده هویدا بود؛ ایشان فردی بهلوان و در گفتارش بسیار فصیح بود بسیار روزه می‌گرفت و خیلی شب زنده دار بود. انسانی عالم، با هیبت و باوقار، فردی متواضع و فروتن بود. او انسانی سیاستمدار و زیرک بود. تمامی کمالات را از پدرش زبیر و از مادرش اسماء و جد بزرگوارش ابوبکر صدیق و خاله اش ام المومنین عایشه صدیقه رضی الله عنهم کسب نموده بود.
عبدالله در زمانه خودش یکی از شهسواران قریش بود. در سن ۷۰ سالگی شمشیر را طوری به دست گرفته و به کارزار می‌پرداخت گویا جوانی باانگیزه و چابک است. عثمان بن طلحه در وصف ایشان می گوید: عبدالله بن زبیر در سه چیز رقیب نداشت: در شجاعت، بلاغت و عبادت
گواه ما شجاعت و دلاوری عبدالله شرکت در جنگ یرموک در عنفوان جوانی به همراه پدرش و شرکت وی در جنگ قسطنطنیه و فتح شمال آفریقا است.
سرانجام این شهسوار اسلام در یکی از پیکارهای دفاع از الله و رسول در محاصره کعبه توسط حجاج بن یوسف ثقفی به شهادت رسید و جهان اسلام برای همیشه این شخصیت ارزشمند را از دست داد.
انا لله و انا الیه راجعون



جایگاه مسجد در تشکیل جامعه مدرن اسلامی

به قلم: یاسر سابکزهی | (طلبه فعلی دارالعلوم زاهدان)

مسجد پایگاه عروج انسان از خاک به افلاک است، بر این پایه انسان بنا به فطرت خویش، معبد و مسجد را دوست می دارد و بدان عشق می ورزد.

پیامبر اسلام(علیه الصلاۀ و السلام) پس از هجرتشان از مکه به مدینه شالوده جامعه مدرن اسلامی وانسانی که متشکل از مسلمانان مهاجر وانصار بود را ترتیب دادند، ونخستین گامی که در این راستا برداشته شد دستور ساخت مسجد بود.

زیرا بنای مسجد اولین ومهم ترین گزینه در تشکیل جامعه اسلامی وانسانی شمرده می شود، چون جامعه اسلامی روح نشاط و تمسک جستن به آداب و احکام اسلامی را از چشمه فیاض مسجد دریاقت می کند.

آیین اسلام برای پویایی و تعالی یک جامعه ایده آل برنامه های کامل و شمولی را به ارمغان آورده اند که اگر اعضای آن جامعه به آنها روی بیاروند و آنها را سرلوحه زندگی خویش قرار دهند جامعه آنها به زودی پلکان ترقی را خواهد پیومد و در مجامع بین المللی به عنوان نمونه و الگو برای سایر جوامع مطرح می شود.

از جمله آداب و برنامه های شمولی اسلام برای ساختن جامعه مدرن اسلامی وانسانی:

۱. گسترش دامنه پیوند الفت و محبت بین مسلمانان: این پیوند تکمیل نمی شود تا زمانی که مسلمانان یکدیگر را روزانه چندین بار ملاقات نکنند، و تفاوت جاه،مال، حسب،ونسب از بین نرود؛

۳. گسترش جوهر عدل و برابری میان مسلمانان در تمامی شؤناتشان: این جوهر نیز تکمیل نخواهد شد تا زمانی که همه مسلمانان در هر لباسی که هستند در یک صف واحد مقابل خداوند متعال سر تعظیم و عبودیت فرود نبرند، و تا زمانی که قلب آنها وابسته به خداوند نشود این جوهر تکمیل شدنی نخواهد بود؛

۲. جمع شدن همه مسلمانان در یک مکان که محبت خداوند آنها را جمع می کند: محبت خداوند حکم و شریعتش است که همه مسلمانان را بدون در نظر گرفتن طبقاتشان در یک مکان جهت فراگیری علم شریعت جمع می کند و به آنها وحدت کلمه را به معنای واقعی اش یاد می دهد و تا زمانی که در جای جای کره خاکی مساجد بنا نشود و مسلمانان کنار هم قرار نگیرند تحقق بخشیدن برنامه های فوق دشوار خواهد شد.

کار مسجد تنها عبادت نیست، مسجد به عنوان خانه خدا، در فقه اسلامی جایگاه ویژه ای دارد وبرای احکام خاصی وضع شده است. مسجد جایگاه ارشاد وتبلیغ مسائل اسلامی است. مسجد پایگاه عمومی مسلمانان ومحل حضور قشرهای گوناگون است.

مسجد خانه آشنایی با دردها ومشکلات اجتماعی و چاره اندیشی برای رفع آنها است. از این رو جایگاه مناسبی برای تعاون اجتماعی مسلمانان ومشارکت آنان در رفع نارسایی های اجتماعی جامعه است. مسجد در جایگاه اصیل خود، یک الگوی ارزش گذاری است، و ارزشهای فراموش شده در مسجد مطرح می شود. مسجد پاسدار عدالت است، در صدر اسلام مسجد پناه گاه مظلومان ومحل رسیدگی به شکایات مردم بود.

مسجد، مقر حاکمیت و فرماندهی پیامبر اعظم (صلی الله علیه وسلم) در مدینه بود. پایه های اساسی حکومت اسلامی در مسجد بنیان نهاده شد و اصول ومبانی دین مبین اسلام از این پایگاه مقدس به مردم جهان عرضه گشت.

مسجد محل تعلیم و آموختن آموزه های اسلامی، و اخلاقی بوده و خواهد بود.

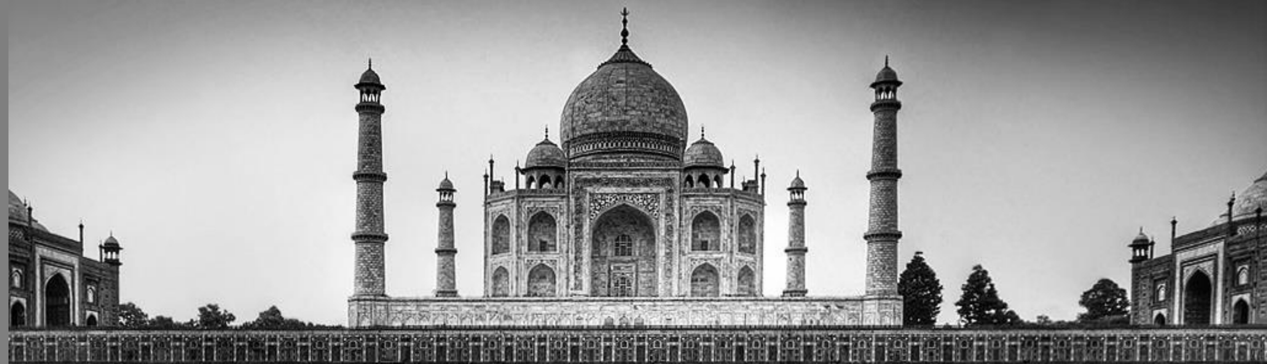
چرا مدارس دینی تاسیس شدند؟

گردآورنده: درمحمد گمشادزهی | برگرفته از کتاب "مواعظ حکیم الامه"

در زمان پیامبران نیازی به تاسیس مدرسه دینی نبود زیرا حفاظت علوم متکی بر وجود مدارس نبود و با شنیدن و وحی علوم را حفظ می کردند و به طور شبانه روزی مشغول نشر و پیشبرد علوم دینی بودند. در هر حالت مشغولیت پیامبران دین و علوم دینی بود و پیروان آنها نیز بر حفاظت علوم دینی و نشر آنها پایبند بودند.
اما با گذشت زمان و دوری از عصر انبیاء توجه به علوم دینی و فرامین الهی کمتر شد و خطر از دست رفتن علوم الهی احساس شد. این مسئله برای اشخاصی مشتبه می شود که چرا تاسیس مدارس دینی از نیاز ها به حساب آمد؟ آیا بهتر نبود که مانند گذشته علوم دینی از طریق سماع به یکدیگر منتقل می شد؟
پاسخ اینست که نه آن تقوای سلف صالح باقی مانده و نه آن حافظه قوی! اگر همینطور به شنیدن مسائل دینی اطمینان می شد هیچ تضمینی نبود که علوم دینی در ذهن مردم محفوظ و به دور از تحریف و تغییر بمانند؛ از سوی دیگر به علت کم شدن تقوا روز به روز در دیانت دچار کاستی و نقصان شده ایم! در چنین وضعی اعتماد باقی نمی ماند که آنچه نقل می شود راوی آن را با دقت کامل نقل می کند؟ یا اینکه از طرف خودش حذف یا اضافه می کند؟! پس از به وجود آمدن چنین حالتی پیشوایان دینی به فکر افتادند که چگونه علوم دین را محافظت کنند. چنانچه در همین راستا تذکره احوال راوی (اسماء الرجال) جمع آوری شد تا بدانند کدام راوی حافظه قوی داشته و کدام یک دارای حافظه ضعیفی بوده است. به همین ترتیب محدثین به وجود آمدند که مشغول نقد و بررسی احادیث و طبقه بندی آنها بر اساس صحت و ضعف بودند.
بعد از آن احساس شد که نیاز به تشکیل یک گروه مستقل است که کارش صرفاً حفاظت و مشغولیت با علوم دینی باشد؛ لذا نیاز به اساتیدی پیدا شد تا در این گروه شامل شوند و این وظیفه را انجام دهند. برای این کار یک صورت این بود که هر جا کسی را از اساتید و علمای دینی می یافتند از او مسئله بپرسند و از کسی یک خط و از دیگری یک صفحه از مسائل شرعی را بیاموزند و جمع آوری کنند که در چنین صورت علمی که مکتوب و محافظت شده باشد به دست نمی آمد بنابر این به روشی دیگر باید حفاظت دین را انجام می دادند که همیشه آماده و در دسترس باشند که هرگاه از آنها مسئله ای پرسیده شود پاسخش را به طور اصولی و با ضابطه بیان کنند. باز به این فکر افتادند که چنین گروهی لازم است که از مشغولیت های دنیوی فارغ باشد و از نظر خوراک و مسکن و ... برایش چاره اندیشی شود و به این ترتیب مکانهای تحت عنوان مدارس دینی تاسیس شد.
به هر حال کار اصلی دعوت الی الله و نشر احکام و فرامین الهی است و برای حفاظت آن نیاز به تاسیس مدارس همیشه احساس شده است. اکنون طلاب علوم دینی پس از تحصیل علوم به کار دعوت الی الله و تبلیغ دین مشغول شوند که روش آسان آن موعظه و راهنمایی مردم است و تعلیم و تعلم مقدمه آن به شمار می رود.
همانگونه که برای نماز نیاز وضو است و برای وضو نیاز به تهیه آب لازم است همینطور برای نشر و تبلیغ دین نیاز به تعلیم و تعلم است. اما اگر کسی به تهیه آب مشغول شود و مکرر وضو بگیرد و وقت نماز را از دست بدهد آیا این کار او قابل تمجید است؟! به همین نسبت تعلیم و تعلم مقدمات دعوت الی الحق هستند ولی در این مقدمات به حدی مشغول شدن که هدف اصلی را فراموش کردن اصلا پسندیده نیست!

بهتر است که اهل علم و طلاب علوم دینی بعد از فارغ التحصیلی و تعلیم و تعلم هدف اصلی را فراموش نکنند و تنها به تمهید مقدمات خود را رستگار و پیروز ندانند.

به امید آنکه بتوانیم وظیفه خود را درک کرده و آن را به نحو احسن عملی کنیم.



مقایسه فرهنگ اسلام و فرهنگ غرب

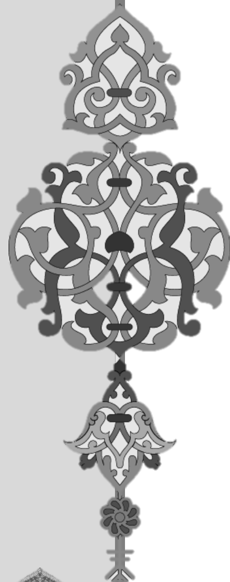
و راه نجات از دام فرهنگ دروغین غرب

به قلم: عیسی رئیسی

امروزه دنیا زیر بار آماج سنگین و تحمیلات ناشی از تمدن مادی غرب به سطوه آمده است و دنبال راه نجاتی میگردد تا خود را از یوق و بندگی شیطان و خواهشات نفسانی رهایی یابد و عده ای فریب خورده هم برعکس بر این باورند که خوشبختی و سعادت در اختیار نمودن فرهنگ و غربی است؛ حال باید از خود پرسید که اگر چنانچه بخواهیم در این عصر و زمان حاضر نسخه دومی از کشورهای غربی و متمایل به غرب و ملل غرب زده شویم آیا به رستگاری رسیده‌ایم!؟ و بر فرض اینکه مانند کشورهایی چون سوئیس، سوئد و آمریکا و غیره شدیم آیا تازه دچار مشکلاتی نخواهیم شد که تمدن غربی مدت هاست به آن رسیده اند!؟و آیا با این مشکلات جدید چه خواهیم کرد!!؟ جواب قطعا خیر و نه است، بلکه نه تنها فی الحال بزرگترین نعمت، فرهنگ جامع و اصیل اسلام را مسلمانان دارا هستند بلکه تنها راه بازگشت از مصائب شرق و غرب، رجوع همه بطرف فرهنگ آغازین اسلامی است؛ همان فرهنگی که اگر اندک نگاهی گذرا به آن داشته باشیم میبینیم که در ۱۴۰۰ سال پیش، بنیانگذار این فرهنگ اصیل و مبارک اسلامی آنرا پخش و منتشر نمود و با یاران با وقار و جان نثار خویش توانست بر فرهنگ بی بند و بار آنزمان غلبه یابد و امروزه از آن فرهنگ بی بند و بار به جهان غرب یا جهان متجدد میتوان تعبیر نمود.

آری آری!!آن فرهنگ غنی اسلامی همان فرهنگی نوینی است که توسط پیامبر گرامی اسلام (ص) برای جهانیان از جانب رب العالمین به ارمغان آورده شد؛ فرهنگی سرشار و مملو از نور و معرفت و هدایت الهی و فرهنگی متناسب با سلامت جسم، روح و روان وفرهنگی ملکوتی که مطابق با ویژگی های فطری بشری بود، اما امروزه میبینیم که متاسفانه افکار و رفتارهای آن فرهنگ ناب محمدی در میان مسلمین و مقرین و معترفین به کلمه توحید تا حدودی و به تدریج کمرنگ میشود و در مقابل بعضی منحطّین در فرهنگ غرب و به تعبیری غرب زدگان آن را با هنجارها و رفتارهای ساخته شده و فریبنده یهود و ملحدین جایگزین نموده و برای داخل کردن آن بین مسلمین و جوامع اسلامی خواسته یا ناخواسته با معاندین اسلام هم سو و هم پیمان شده اند. لذا همت و تلاش ما مسلمانان در این برهه از زمان باید متوجه به افکار و نظریات غلط تمدن غرب باشد افکاری که سرچشمه در تعالیم غرب دارد و بسبب آن عده بسیاری بر این باور بوده و اعتقاد دارند که اسلام اسم یک تمدن و شهری است که از هم فروپاشیده و نابود شده است و نویسندگانشان نیز با شور و شعف خاصی از آن به عنوان میراث اسلامی یاد می‌کنند و یادآور می‌شوند که اسلام از تمدن برخوردار است اما این تمدن سابقه طولانی ندارد و در نتیجه تمدنی که در ۵۰۰ یا هزار سال پیش بوده ، نمی تواند در جهان کنونی از خود اثر فعال و مطلوبی به جا بگذارد.

سروران باید در جواب این نظریات و باورها گفت که دین اسلام فقط عنوانی برای پاره ای از ارزشهای اخلاقی یا برای یک نظام اجتماعی و فرهنگی و یا برای یک مدرسه ای در فن معماری نیست بلکه در حقیقت مربوط به حقایقی میشود که خارج از محدوده فکر و دانش بشری است و بیانگر ارکان ایمان و اصول اساسی و اعتقادی است و میان خدا و بنده و نوامیس جاویدان هستی ارتباط برقرار می سازد. آنگاه که دریافتیم اسلام چنین طرز فکر و فلسفه ای دارد طرح این سوال که اسلام چگونه معیارها و ارزش های خود را دگرگون می سازد و تغییر می‌دهد و متناسب با اوضاع زمان می نماید ، یک سوال بی مورد



و بدور از عقل و دانش دانست. همچنین اندیشمندان غرب همواره مسائل نامربوط و بی اساس را علم نموده و از اختلافات و دلائل سفسطی و گمراه کننده دلیل میگیرند تا بتوانند فرهنگ غلط و ضد اسلامی را بر افکار عمومی تحمیل کنند اما باید دانست که هر چند زندگی شکوفا شود و ترقی کند باز هم برای حقایق خارج از محدوده تفکر بشری جای خالی وجود خواهد داشت لذا همه ما موظفیم که همه تن و با تمام وجود خود ، به حفاظت و مراقبت از اعتقاد اسلامی و ایمانی بپردازیم در غیر این صورت ما نیز شکار ناهنجاری ها و مفاسد جامعه غربی قرار خواهیم گرفت

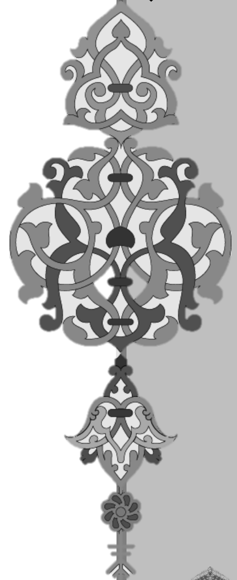
بنگریم که حکیم الامت حضرت مولانا ابوالحسن علی ندوی (رح) در کنفرانسی در مورد سیرت و سنت نبوی در قطر در مورد ناکار آمدی و مشابهت کنونی فرهنگ و تمدن غرب با عصر جاهلیت چنین ایراد فرمودند: هرگاه واژه جاهلیت به گوشمان برسد فورا قرن تاریک پنجم میلادی در جلوی ما مجسم می گردد که در آن قرن سیدنا محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم مبعوث شدند و اولین معجزات و تعالیم تربیتی و راهنمایی های آن حضرت آشکار گشت و همینکه واژه جاهلیت به گوشمان می رسد انسانیت در عصر جاهلیت قبل از اسلام با تمام خصائص با رفتارها و مشخصات جاهلی خود، در جلوی چشمان ما مجسم می گردد. مولانا محمد قاسم قاسمی در کتاب نبی رحمت می‌گوید: باید دانست که جاهلیت فقط به آن زمان اختصاص ندارد؛ مسلماً هر عهد و زمانی که از هدایت و نور نبوت محروم گردد و بعد از تشخیص راه هدایت از تعالیم الهی چشم پوشی نماید و استنکار ورزد و یا به آن توجه ننماید از نظر اسلام، عهد و زمان جاهلیت به شمار می آید . پس در این میان تفاوتی میان جاهلیت جهانی قرن پنجم میلادی و قرون وسطی در تاریخ اروپا که اغلب به قرون تاریک مشهورند و یا عصر تمدن و پیشرفت و جذاب و سحر آمیز قرن بیست و یکم که ما در آن زندگی می کنیم وجود ندارد.

در رابطه با اینکه راه و نور هدایت و سعادت یکی است تاریکی ها بیشمارخداند متعال در کلام خودش تصریح میکند جایی که می‌فرماید: اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۖ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ ۗ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

خداوند متولّی و عهده‌دار (امور) کسانی است که ایمان آورده‌اند. ایشان را از تاریکی‌ها بیرون می‌آورد و به سوی نور (حق و اطمینان) رهنمون می‌شوند. و (امّا) کسانی که کفر ورزیده‌اند، طاغوت (شیاطین و داعیان شرّ و ضلال) متولّی و سرپرست ایشانند. آنان را از نور (ایمان و فطرت پاک) بیرون آورده به سوی تاریکیهای می کشانند. (البقرهٔ آیه۲۵۷)و همچنین قرآن کریم در سوره نور بیان می‌کند که نور فرد است و سرچشمه آن نیز یکتا است؛ (الله نور السماوات و الارض) ترجمه خداوند نور آسمانها و زمین است. و این نور الهی که فقط از طریق انبیا و رسولان می تابد و اگر نمی درخشید، توده های سهمگین و بی حد و حصری از مصیبت ها و پریشانی ها بر سر جهانیان سایه می‌افکند و تمامی مراحل زندگی آنان را در تاریکی فرو میبرد. چنانچه در جامعه کفر کنونی علت پریشان بودن و به بن بست رسیدن در زندگی و لذت نبردن از زندگی را میتوان محرومیت از نور الهی دانست که با وجود ثروت و رفاه فراوان از نعمت نور ایمان محروم هستند در نتیجه به بن بست می رسند. لذا بخاطر همین است که امروزه ثروتمندان و سران کشورهای سکولار به خاطر یک مصیبت کوچک دست به خودکشی می زنند به اینصورت که ثروتمندی یا یک وزیری صاحب منصب و جایگاه ،هنگامی که فکر می کند به بن بست رسیده و دست به خود کشی می زنند.

پس ای جوان و عالم و طالب مسلمان و ای برادر عزیز بر ماست که بار دیگر با اتباع و نشر فرامین الهی و سنت نبی (ص) همان فرهنگ صدیقی و فاروقی و فرهنگ حیدری را دوباره زنده کنیم. بیاییم با همان شجاعت صلاح الدین ایوبی مشتی بزرگ بر دهان فرهنگ کثیف غرب بزنیم و فرهنگ و آداب اسلام عزیز را که محبوب حجازی برای جهانیان به ارمغان آورده را بر فرهنگ تحمیلی غرب غالب و چیره سازیم.

باید دانست که بزرگترین ابزار برای ایستادگی و غلبه بر فرهنگ غرب اتحاد مسلمین عالم و چنگ زدن به فرامین قرآن عظیم الشأن و پیروی از سنتهای گهربار پیامبر گرامی اسلام (ص)است که ما را به نور الهی متصل نموده و باعث بازگشت جهان کفر و غرب به شاهراه هدایت خواهد شد. چنانچه خداوند متعال در جای جای کلام پاک خودش متذکر می‌شود که کامیابی و سعادت در دو جهان و عزت و زندگی طیبه در دنیا و آخرت فقط و فقط در اطاعت و پیروی از قرآن و سنت که در نتیجه مزین شده زندگی به فرهنگ زرین اسلامی است نهفته و قرار گرفته است.



منابع:
کتاب اسلام و جهان تحول پذیر – کتاب نبی رحمت – اشعار مولانا

قربانیان عشق

به قلم: اسلم کدخدایی (دانشجوی دانشگاه فرهنگیان زاهدان)

خیز و بنما عشق را قامت　　　　که موذن بگفت قد قامت

عشق آب زندگانی و قوت روح و روان است. با عشق، شتر به بچه اش شیر میدهد و نوزاد پستان مادر را قوت جان می سازد. بلبل و کبوتر با عشق لانه هاشان را پی ریزی میکنند. عشق چهره ها را پرنور و لبان را پر تبسم و چشمان را منور می گرداند. به وسیله عشق است که شاگرد سخن معلم را می فهمد و با عشق است که در میدان نبرد، سرباز اطاعت فرمانده را میکند.

صحابه کرام دلداده سیرت و اخلاق پیامبر و شیفته نبوت و عاشق وحی و منزلگه آن، یعنی قرآن بودند. بدین دلیل بود که در میدان بدر و احد و حنین در طلب خشنودی معشوق پاره پاره گشتند و جام شهادت را نوشیدند. در گرمای سوزناک عربستان به خاطر رضایت معشوق از آب و غذا گذشتند. این جاذبه عشق بود که حرام بن ملحان در حال شهادت فریاد «فزتُ و رب الکعبه» را سر داد و به سعادت رسید. این کشش عشق بود که عبدالله ابن عمرو انصاری فریاد کشید: پروردگارا امروز از این خونم بستان تا خشنود گردی !

احبک لا تسأل لماذا لأنني　　　　احبک هذا الحب رأیی و مذهبی

عشق باور و ایده ماست. عشق است که انسان را از سریر گرم و لطیف برای نماز صبح می کشاند و مبارز و جنگجو را از زندگی شیرین به سوی مرگ سوق میدهد. عشق چشم را گریان و قلب را اندوه بار میگرداند و جز آنکه پروردگار می پسندد بر زبان جاری نخواهد شد. عشق به مانند جریان الکتریسیته است که چون به سیمها راه یابد، ناگهان نور و روشنایی پدید خواهد آمد و چون به اجسام تلاقی یابد ،گرمی و حرارت میدهد. عشق ، بسان نیروی جاذبه است که فلک با آن به حرکت می افتد و نظام هستی در نظم کامل همکاری میکنند. چون از عشق روی برتابیم، همه چیز برایمان معکوس خواهد شد. هجران عاشق،وصال و خشمش ،خشنودی و گناهش نیکی و لغزشش ،صواب و درست است. در نبود عشق ،دنیا تبدیل به صحرایی بی آب و علف و چمنزارها و مرغزارها جز زمینی خشک نخواهند بود.

عشق بر دو نوع است: عشق زمینی و خاکیِ پست که جز دلربایی و شیفتگی و ناز و عشوه چیزی نیست . وعشق عالم ربانی و آسمانی و الهی. و آن فرمانبرداری و اطاعت، پرستش و کرنش و جانبازی و جانفشانی و والامقامی و مهتری است.

عشق زمینی، عشق به چشمهای سیاه و قامت رعنا و گونه های دلفریب و خاطرات سلمی و روزهای شیفتگی لیلی است. و عشق معبود حقیقی، که با دل به به شرع او بستن و سر به انقیادش نهادن و درون را به دینش آراستن و تقرب به ذات او،گره خورده است .عشق خاکی به سوز و درد و آه و ناله و حسرتها و ندامتها ختم میشود.

عشق هایی کز پی رنگی بود		عشق نبود عاقبت ننگی بود
زانکه عشق مردگان باینده نیست		زانکه مرده سوی ما آینده نیست
عشق خاکی لهو و بازی است		عشق باری جمله پاکی است

اما عشق به کردگار ، یعنی شموخ و عزت و مقام والا و سترگ و کرامت و سربلندی و رستن از بلایا و رهبری و اقتدار و کامروایی در دو جهان است.

در لغت عرب هیچ کلمه ای همچون"حب" سراغ نداریم که بیانگر مفهوم ژرف و عمیق عشق و محبت باشد . حب، پیوستنی است پس از جدایی و وصالی است پس از هجران ! عشق کلمه ایست مانوس و خوگیر ، هیجان برانگیز و گیرا، نیرو بخش و احیاگر و روح بخش و دلنشین و شگرف. عشق سیر و جولانی است در عالم صمیمیت و یکرنگی و برابری و برادری،تفاهم و هم رکابی با یکدیگر و همبستگی و همیاری است. به خاطر عشق، ساقه ها در آغوش شاخه ها افتاده اند،پروانه دهان گل را میگزد و لانه پرنده را مستور و در حفاظت خویش گرفته. پس چ نیکو و بدیع است کلمه عشق.

الحب حرفان حاء بعدها باء		تذوب عند معانیها الاحباء

عشق تبسم عاشقی است که اگر چهره و رخ بنمایاند، مهتاب از درخشش او غروب خواهد کرد.

امرؤالقیس عاشق دختری گشت، ابوجهل در طلب سیم و زر بود و ابوجهل در طلب ریاست و همه آنها به خاطر عشق های رنگیشان ناکام شدند. اما بلال ابن رباح به خاطر عشق به معبود واقعی در ریگزارهای سوزناک فریاد احد احد را سرداد و کامروا شد . در عشق تفاوت رنگها و سرزمینها وجود ندارد. بلال چهره ای سیاه داشت ، اما قلبی سپید! عشق بود که سلمان را از سرزمین ایران به سوی معشوق کشاند و از اهل بیت گردانید. به خاطر عشق به کردگار بود که آسیه همسر فرعون از او جدا گشت و نوح فرزند خویش را رها کرد و ابراهیم زن و بچه خود را در بیابان تنها گذاشت . به خاطر عشق به معشوق واقعی بود که پیامبر خون دل خورد و سخت ترین مصیبت ها را متحمل شد . به راستی که عشق به پروردگار ماندگار ترین و پایدارترین عشق هاست.

حبی لما لک محجتی و لخالقی		و لرزاقی هو صاحب السبحان
شرفی بأنی عبده یا فرحتی		والفخر لی بعبادهٔ الرحمن
و علیه سارالفائزون جمیعهم		متوجیهن إلی عظیم الشأن

برگرفته از کتاب «قربانیان عشق» | مولف: دکتر عائض القرنی



مطب مشاوره خدا!

به قلم: علی سابکزئی (دانشجوی دانشگاه سیستان و بلوچستان)

احساس سنگینی میکنم. روحم سردرگم است. احساس میکنم نیاز به یک مسکّنی دارم که روحم را تسکین بخشد. برای درمانِ پریشانی و سرگردانی روحم به مطب مشاوره‌خدا مراجعه میکنم.

مطب‌خدا خیلی خلوت بود. هیچ واسطه و منشی‌ای وجود نداشت. با روی‌باز از من استقبال کرد. گویی خداوند مهربان دیر وقتی است که منتظرم بود. مرا به خاطر آلودگی‌های جسم و روحم سرزنش ننمود . سخت در آغوشم گرفت و نوازشم کرد. احساس عجیبی داشتم .یک احساس غیر قابل وصف .احساس آرامش میکردم. دوست داشتم هیچ وقت از آن آغوش جدا نشوم .آغوش و نوازش خدا و رفتارش، باعث شد حالم بهتر شود .احساس سبکی می کردم. احساس می‌کردم روح تازه‌ای در من دمیده شد !گویا فقط همین یک مراجعه برایم کافی بود. تقاضای تجویز دارو از خدای مهربان نمودم تا مبادا وقتی که دوباره از او دور شده و در تاریکی ها گرفتار شدم، روحم دوباره آلوده و مریض شود.

خداوند خیلی مهربانانه به من گفت: اگر میخواهی همیشه به آرامش برسی و روحت سالم باشد، هیچ وقت از من دور نشو !همیشه به یاد من باش !همیشه مشتاق دیدار تو هستم! آغوش من بی‌وقفه به روی تو باز است! آغوش من آنقدر آرام‌بخش است که از قید همه دنیا فارغ میشوی!یک دارویی به نام دوری از معصیت برایم تجویز نمود که شامل، دوری از حسادت، بغض، کینه، غیبت و امثالهم... بود .در خواست دارویی قویتر کردم که تاثیرش بیشتر باشد .نسخه‌ای به من معرفی نمود که در آن دو داروی تاثیرگذار تجویز شده بود :داروی اول (الابذکر الله تطمئن القلوب) بود . داروی دوم: (الم یعلم بان الله یری) خداوند مهربان گفت: با استفاده از این داروها . هیچ وقت مریض نمی‌شوی وسرگردان و حیران نمی‌مانی .به یاد من باش ! ممنونم خدای مهربانم.

راهکارهای مفید برای پیشرفت درسی طلاب

به قلم: مولوی عبدالله دهقان (استاد مدرسه دارالقرآن سراوان و معلم پیشکسوت در اداره آموزش و پرورش)

یادداشت برداری:

یادداشت برداری یکی از روش های مفیدی است که می‌تواند فراگیری و یادگیری درس را آسانتر کند. غالباً وقتی استاد مطلبی را می گوید که احساس می کنیم باید آن را در حافظه کوتاه مدتمان بایگانی کنیم، سعی می‌کنیم در لابلای سطور و یا کنار کتاب یادداشت کنیم تا بعد از چندین بار مطالعه کاملاً آن را یاد گرفته و اصطلاحاً برای ما حل شود.

استفاده از روش مباحثه:

مباحثه یکی از امتیازات بزرگ حوزه‌های علمیه است که بسیاری از مراکز علمی دنیا از آن بی بهره اند که باعث تثبیت مطالب در ذهن و رفع ابهام های درسی و جوشش فکری افراد می گردد. مباحثه دارای روش های مختلفی است که طلاب استفاده می‌کنند که از آن جمله می‌توان به روش روخوانی، روش تقریر، روش نقد و بررسی و روش تحقیق جمعی اشاره کرد.

تقویت روحیه و اعتماد به نفس در طلاب:

این سوال پیش می‌آید که روش‌های تقویت اعتماد به نفس در اسلام چیست؟ در پاسخ می توان گفت اعتماد به نفس پدیده های اکتسابی است، یعنی برخورداری از خصیصه اعتماد به نفس در گرو تمرین، ریاضت و برنامه‌ریزی میسر است. شخصی که خود را در این بخش ضعیف و ناتوان یابد می تواند با استفاده از روش‌های علمی و با روحیه و امیدواری برای تغییر شخصیت خود اقدام کنند شیوه های ایجاد و تقویت اعتماد به نفس عبارتند از؛ خود ارزشمندی، خودشناسی، خود اتکایی، تلقین درمانی، تمرین و تصمیم گیری، مطالعه زندگی افراد موفق، به دست آوردن تکیه گاه قوی

ایجاد رقابت سالم:

برای ایجاد رقابت سالم بین طلاب می توان از راههای مختلف بهره برد. از جمله: ۱- نشان دادن موفقیت طلبه و ثمرات کار مفید به او ۲- ایجاد احساس توانایی و امید به رسیدن به هدف، این حس را تقویت نماییم که طلبه با تلاشی مناسب به موفقیت خواهد رسید. ۳- مشارکت دادن طلبه در کلاس درس ۵- تشویق طلبه‌ای که نسبت به گذشته خود رشد نسبی داشته است. ۵- حفظ حرمت طلبه در کلاس درس ۶- برگزاری آزمون های تقویتی همراه با جایزه و غیره

ایجاد انگیزه مثبت:

برای ایجاد انگیزه مثبت در میان طلاب نیز راهکارهایی وجود دارد که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود: ۱- ایجاد نشاط و شادابی و کسالت و تنبلی در اختیار انسان است پس سعی شود تا از کسالت و تنبلی انسان دوری کند و به شادابی و نشاط عادت کند. ۲- برای تقویت هر یک از ابعاد نفس انسان باید از آن کار کشید تا تقویت شود ۳- استفاده از دعاهای ماثوره و توکل بر خداوند مانند این دعا: «اللهم انی اعوذ بک من الهم و الحزن و العجز و الکسل و البخل و الجبن ۴- توجه نمودن به اخلاق و معنویت ۵- بیان جایگاه تعلیم و تعلم در اسلام و فضیلت علم ۶- توجه نمودن به اینکه هر کاری سخت است و سختی و دشواری فقط در طلبگی و تحصیل علم نیست اما با تلاش و پشتکار می‌توان بر سختی‌ها پیروز شد.

استفاده از روشهای مفید تشویق و تنبیه در وقت مناسب:

در واقع در به کارگیری تشویق و تنبیه ما معمولاً از روش های تقلبی و تکراری که از اطرافیان مان یاد گرفته‌ایم استفاده می‌کنیم حال آنکه تنبیه و تشویق اگر می‌خواهیم موثر واقع شود لازم است مطابق اصول آن انجام شود که از آن جمله می توان از روشهای ذیل بهره برد:

❖ **استفاده از تشویق و تنبیه زبانی:**

طلبه ی کوشا را که در کارش موفق است با سخن و کلام تحسین آمیز مورد تشویق قرار دهیم و طلبه ای که در کارش کوتاهی می کند با نصیحت کردن و در صورت تکرار کم کاری و تنبلی اش می توان از روش های تنبیهی مانند سرزنش نمودن، با صدای بلند ملامت کردن و حتی در برخی از موارد از تنبیه بدنی کارگرفت.

❖ **پاداش دادن به رفتار خوب:** این کار را می‌توان بلافاصله و مکرر انجام داد تا رفتار خوب تقویت شود.

❖ **توجه به بیان نکته های مهم قرآنی:** خداوند هر جا سخن از نیکوکاران می‌آورند آنان را به جهت ایمان و عمل صالحی که انجام می دهند و به بهشت و رسیدن به نعمتهای جاودانی می دهد؛ همچنین برای کفار و بدکاران بعده جهنم داده است که این خود بر امر تشویق و تنبیه اشاره دارد.

در تشویق چند اصل رعایت شود:

۱- در تشویق لازم است عمل شخص مورد تشویق قرار گیرد. ۲- تشویق در میان دوستان و هم سن و سالان بهتر از تشویق در تنهایی است ۳- تشویق باید به اندازه و به موقع و به جا انجام گیرد. ۴- تشویق باید متناسب با میزان فعالیت و انتظار شخص باشد. ۵- تشویق باید در بازه های زمانی مختلف انجام شود تا موثر تر باشد.



تاثیر رسانه برجامعه و لزوم توجه مدارس دینی به فعالیتهای رسانه ای

به قلم
مسعود پرکی

به گفته ها،حرکات،اطاعات و اخبار و تصاویر که از یک فرد به فرد دیگری ویا به تعداد زیادی از مردم بوسیله یک‌رسانه منتقل میشود پیام میگویند. قدیمی ترین رسانه ها که به آنها رسانه های فردی میگفتند سخن گفتن،حرکات دست و حالت چهره بود،که انسان از طریق آنها پیام خود را به دیگری منتقل می‌کرد این نوع رسانه نیازی به ابزار و فناوری نداشت اما از آنجایی که انسان نیاز داشت که پیام خود را زودتر ویا به تعداد بیشتری از افراد منتقل کند به همین دلیل فناوری ابداع شد برای مثال بلندگو برای انتقال صدا به مکانهای دور دست و صنعت چاپ برای انتقال اطلاعات به تعداد بیشتر و تلفن،رادیو و بیسیم برای انتقال صدا به مکانهای دور دست اختراع شدند. رسانه همان وسیله ابداع شده فناوری است که از طریق آن انسان پیام خود را به شخص دیگر منتقل میکند.

***

تا کید قرآن مجید بر لزوم تحقیق در درستی اخبار رسانه ای

قرآن کریم می‌فرماید:
(یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا إِنْ جاءَکُمْ فاسِقٌ بِنَبَإٍ فَتَبَیَّنُوا أَنْ تُصیبُوا قَوْماً بِجَهالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلی ما فَعَلْتُمْ نادِمینَ)؛حجرات {۲} «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر شخص فاسقی خبری برای شما آورد، درباره آن تحقیق کنید؛ مبادا در صورت عمل کردن بدون تحقیق، به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید».
برخی مفسران شأن نزول آیه را، ولید بن عقبه دانسته‌اند که پیامبر(ص) او را برای جمع آوری زکات از قبیله بنی المصطلق اعزام داشت، اما او بدون تحقیق به پیامبر(ص) گزارش داد که آنها از پرداخت زکات خودداری کرده‌اند. در آن زمان امتناع از پرداخت زکات، یک نوع قیام بر ضدّ حاکمیت اسلام به شمار می‌آمد. پیامبر(ص) تصمیم گرفت با آنها مبارزه کند. اما این آیه نازل شد.

***

انواع رسانه و پیام

رسانه های جمعی را میتوان به دو گروه عمده تقسیم نمود؛رسانه های چاپی و الکترونیکی(خبر پراکنی)

*رسانه های چاپی

1.کتاب: وآن از قدیمی ترین رسانه های چاپی است که از روزنامه و مجله بزرگتر بوده و اطلاعات و نظریات و علوم و فنون مختلفی را در بر میگیرد و از حیث قدمت میتوان اشاره نمود بر اینکه کتاب نویسی قبل از اسلام در جهان رواج داشته است و هرکسی در هر زمینه و فنی که علم و استعداد داشت اطلاعاتی را جمع آوری نمود و مینوشت کتاب ها در موضوعات و فنون مختلفه جهت بیان آموزش وانتقال اطلاعات نوشته می شدند و همچنین یکی از بزرگترین ابزارهای تعلیم و تربیت و از اولین ابزار آموزشی در مدارس بودند که میتوان از موضوعات کتاب در زمینه های مختلف چون

چون حدیث و تفسیر،فلسفه و ریاضیات،تاریخ و غیره اشاره نمود.
۲.روزنامه؛ اولین روزنامه در سال ۱۳۰۵میلادی توسط یوهان کالوس در شهر استراسبورگ در اروپا منتشر شد و سپس در انگلیس و آمریکا و استرالیا اولین روزنامه وارد زندگی مردم شد و همچنین اولین روزنامه ایران در سال ۱۲۵۳قمری توسط میرزا صالح شیرازی در تهران منتشر شد.
روزنامه ها در سراسر دنیا از جمله ابزار های هستند که پیام دولتمردان،دوستان،احزاب و عامه مردم را به دیگران منتقل میکنند.
۳.مجله؛یکی دیگر از رسانه های چاپی است که بصورت هفتگی،دوهفته یکبار و یا بصورت فصلی و ماهیانه در موضوعات مختلف منتشر میشود.
*رسانه های الکترونیکی
۱.رادیو وتلوزیون: مهمترین این رسانه ها رادیو و تلویزیون هستند و بسیاری از مردم جهان اخبار اطلاعات،کلیپها و یا فیلم های مورد علاقه خود را از طریق تلوزیون ورادیو دنبال میکنند.
پس از اختراع موشکهای فضایی و قمرهای مصنوعی این امکان برای انسانها فراهم شد تا بشر به مدار زمین و کره ماه مسافرت کند و پیشرفت علم باعث شد تا ایستگاههای فضایی در مدار زمین بوجود آید و امکان تبادل اطلاعات ،اخبار و تصاویر از طریق ماهواره ها و تلوزیون به نقاط مختلف جهان فراهم شود.
امروزه تلوزیون ها علاوه بر اطلاعات و اخبار داخل کشور و حوزه سیاسی و مذهبی می‌توانند اطلاعات و اخبار سایر مناطق را نیز دریافت کنند دولت ها با توجه به عقاید،نوع فرهنگ ، مقاصد اقتصادی و فرهنگی و اختلافات سیاسی خود با دیگر کشورها از رادیو یا تلویزیون هایی که قادر به دریافت اطلاعات از سایر کشورها هستند بصورت‌های مختلف استفاده می کنند و در موارد زیادی تلوزیون های بیگانه بویژه دشمنان ایران و اسلام سعی دارند که اعتقادات،ارزشهای اخلاقی یا وحدت ملی کشور مارا مورد تهدید قرار دهند بهمین علت جوانان و مردم ما باید بسیار هوشیار باشند.
۲.اینترنت:با اختراع رایانه «کامپیوتر» گسترش ماهواره و شبکه های رسانه ای توسعه یافت و امکانات تازه ای در اختیار مردم جهان قرار گرفت و اینترنت وارد زندگی مردم شد،اینترنت یعنی مجموعه ای از شبکه های رایانه ای که به یکدیگر و مراکز اصلی تامین کننده خدمات و اطلاعات متصل است،این رسانه امروزه زندگی میلیونها شخص را در سرار جهان تحت تأثیر قرار داده است که از طریق اینترنت این امکان برای افراد فراهم شده است که به آسانی بتوانند پیامها یا تصاویر خود را به سایر نقاط جهان بفرستند و بصورت مستقیم با یکدیگر گفتگو کنند و به انواع مقالات علمی و اخبار روز در سرار جهان دسترسی پیدا کنند.

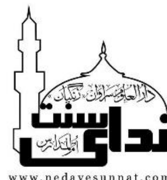
در عصر و زمان حاضر رسانه جزء موثرترین و کاربردی ترین ابزار در تغییر دادن زندگی فردی اشخاص از حیث اخلاقی،مذهبی،عقیدتی،فرهنگی واجتماعی است که بستگی به طریقه استفاده اشخاص و افراد دارد **چنانچه به روشهای مثبت و مفید استفاده شود فرد و جوامع را بسوی قله های موفقیت رهنمون می کند و اگر از آنها بصورت صحیح استفاده نشود آنها را نه تنها به موفقیت نخواهد رساند بلکه باعث سرافکندگی در جامعه خواهند شد،** حال اگر نگاهی گذرا داشته باشیم بر جامعه کنونی که به عصر فناوری معروف است می بینیم که فتنه و فساد و بی بندوباری به اوج خود رسیده است و آن بدلیل اینکه افراد زیادی از جامعه کنونی طریقه استفاده صحیح از آن را نمی دانند در نتیجه به اختلافات عدیده ای دچار میشوند اینجاست که علما و مدارس باید در نقش یک رهبر و رهنما ظاهر شوند و جهانیان و رسانه ها را رهبری نموده و آنها را از راه منحرف و کج روی به راه راست رهنمون کنند.

















***

مدارس دینی و فعالیت های رسانه ای

برخی بر این باورند کـه تـأثیر گـذاری رسـانه هـا اعـم از تصویری،شـنیداری و مجازی و همچنین مطبوعات در ابعاد مختلف از تأثیر گذاری بیشـتری در عصـر حاضر برخوردار هستند.

همچنین این عرصه از مهمترین و حساس ترین میادین جهان است زیـرا افکـار عمومی را شکل می‌دهد و فرهنگ آفرین بوده و خوراک روح را فراهم مـی آورد و مراحل جدید تکامل معنوی را پی می نهد و عواطف مردم را پیراسـته کـرده و آنها را به راستی و نیکویی رهنمون میکند.

فعالیت های مطبوعاتی و مـدارس دینـی از مهمتـرین میـدان‌های جهـادی و از برجسته ترین عوامل تکوین انسان در بعد مدنی و مذهبی است این جایگـاه والا وظایفی در قبال جامعه بر عهده اصحاب مطبوعـات و رسـانه در قالـب مـدارس دینی میگذارد و همانطور که وظایفی در قبال اینان را بر عهده جامعـه مـی نهـد لذا وظیفه مدارس دینی برای جامعـه و جهانیان،جهـت دهی،روشـنگری و خیـر خواهی مخلصانه و بی شائبه است که باتوجه به تأثیر گذاری رسانه میتوان از آن برای این امور مهم بیش از پیش استفاده نمود.

اما جای بسی تأسف و حسرت است که برخی از حوزه ها به این نقش کلیـدی و تأثیر گذاری رسانه یا واقف نبودن ویا اینکه نزد آنهـا از اهمیـت کمـی برخـوردار است در حالیکه رسانه،نقش مثبت در جهت تبلیغ دین مبین اسلام برای مـدارس بشمار می آید و در حل بسیاری از مشکلات و نابسامانی هـا چـاره سـاز بـوده و کمک کننده است.

حوزه های علمیه کانون و قلب اندیشه و تفکر اسـلامی بـوده کـه در سرنوشـت دنیای کنونی و مکتب اسلامی نقش اساسی و تعیین کننده ای داشته و دارند.

مطبوعات و رسانه در عصر حاضر از مهمترین ابـزار هـایی هسـتند کـه مـدارس دینی می‌توانند به واسطه آنها ورود قوی تری به عرصه هـای جدیـد تبلیغـی در جهان داشته باشند وبا توجه به شرایط عصر حاضر نیاز است که مدارس دینی بـا فعالیت های خود اثر گذاری لازم را در جامعه داشته و نقش خود را بعنوان مبلـغ دین و مذهب ایفا نمایند و بر این اساس

مدارس دینی بتوانند با این فعالیت ها و نظارت بر جامعه و پیشوایان مذهبی هـم با جهت دهی مردم و کوشش در تصحیح امور آنها نقش تأثیر گذاری برای خـود ایجاد نمایند که در حقیقت به جامعه و محیط اسـلامی وانسـانی نظـم و رونـق بخشیده اند و به مردم راه خدمت و دینداری را نشان داده اند که در نتیجه مـردم و ارکان جامعه با فعالیت های مفید و خوب ، مـدارس دینـی در جهـت اصـلاح خود و دیگران در رسیدن بـر مـدار واقعـی اسـلام و ایمـان سـوق داده میشـوند اینجاست که دنیا کم کم و به تدریج از پلیدی و نحوست دور شده و بـه آیـین و منش اسلامی آراسته و مزین میگردد

درس شیرین اخوّت

مسلمانان! شما روزی جهان را تاج سر بودید
قلوب تار عالَم را چو نورانی‌قمر بودید

شما شمع شبِ تاریکِ دلهای بشر بودید
شما چون شیر غرنده، چه بی‌خوف و خطر بودید

رسول اللّه شما را درسِ شیرین اخوّت داد
دل غمگین و نالان را گُلِ مهر و محبت داد

شما را وحدت آیین بود و حسرت در دل دنیا
برادروار بودید و مثال گوهری یکجا

شما با اتحاد و یکدلی شاه جهان بودید
برای هر زِ پاافتاده‌ای دارالامان بودید

ولی افسوس! کآن ایام با هم بودن از ما رفت
جدایی آمد و وحدت سراسیمه ز دلها رفت

مسلمانانِ هم‌سنگر علیه هم صف آراستند
به قصد جان یکدیگر، چو صد دشمن به پا خاستند

مسلمان! تفرقه سوزد همی بنیاد آیین را
زند سنگین‌ترین ضربه وجود و پیکر دین را

مسلمان! دست در دستِ مسلمانِ دگر انداز
که آن عزّ و شُکوه و شوکت دیرینه آید باز

شاکر بلوچ زهی (شاهد)



من بلوچم یا مسلمان؟ قوم را انتخاب کنم یا دین را؟

به قلم: عبدالحق سپاهی (مسئول واحد فرهنگی مدرسه دارالقرآن سراوان)

برخی افراد متعصب و نژادپرست امروزه ادعای عجیبی را مطرح می کنند و با تعصب نادرست قومی و نژادی دین مبارک اسلام را بی ارزش جلوه می دهند و اسلام خود را پایین تر از نژاد خود قرار می دهند.

برخی دیگر هستند که پا را فراتر گذاشته و می گویند: من یا بلوچم یا مسلمان! به عبارت دیگر دین را در مقابل نژاد و متناقض با همدیگر بیان می کنند.

باید از اینها پرسید: آیا تو دانشجویی یا قدبلند؟ آیا تو پسر هستی یا مهندس؟ کاملا مشخص است؛ دانشجو بودن با قد بلند بودن تناقضی ندارد و یک شخص می تواند همزمان هر دو ویژگی را داشته باشد و همچنین پسر بودن هیچ تناقض و تضادی با مهندس بودن ندارد و یک شخص می تواند هم پسر باشد و هم مهندس! پس مسلمان بودن و بلوچ بودن هیچ تناقضی با همدیگر ندارند چرا که اسلام یک دین است و بلوچ یک نژاد و یک شخص همزمان دارای یک دین و یک نژاد است و این دو باهم قابل قیاس نیستند.

شخصی می گفت: یک فرد ممکن است در طول زندگی دینش را تغییر دهد ولی هرگز نمی تواند نژادش را تغییر دهد! در پاسخ باید گفت: قطعا یک فرد قبل از اینکه عضوی از یک نژاد و قوم باشد انسان است و مخلوق و نیازمند به الله متعال؛ همانطور که یک فرد نمی تواند نژاد خود را تغییر دهد قطعا نمی تواند از بندگی و نیازمندی به الله متعال خارج شود. دین و نژاد هیچ تناقضی با همدیگر ندارند و دین مبارک اسلام نیز مخصوص نژاد عرب نیست ؛ چراکه هر عرب مسلمان نیست و هر مسلمان عرب نیست؛ و خداوند در قرآن کریم خطاب به همه اقوام و نژاد ها می فرماید: یا ایها الناس – یا ایها الانسان ؛ هرگز نفرمود: یا ایها العرب ؛ پس این اندیشه و گمان که مسلمان بودن و بلوچ بودن در تضاد یکدیگر هستند اشتباه است.

الله متعال درباره هدف از به وجود آوردن اقوام و قبیله هارا اینگونه می فرماید: شما را قوم و قبیله قبیله ساختیم تنها بخاطر اینکه یکدیگر را بهتر بشناسید و هر فرد مشخصه ای به نام "قوم" داشته باشد.

واقعا هستند افرادی که خاصمانه میگویند ما یک بلوچ مسلمان هستیم و با پیش انداختن عمدی زبان و نژاد خود؛ هدفشان پشت پا زدن به اسلام و برنامه های مبارکش می باشد و به هیچ عنوان هدف آنها بیان قدمتِ تاریخی این دو عنوان نیست. زبان مادری و نژاد هر کس مایه افتخار اوست؛ ولی همه ی ما خواه یا ناخواه باید به حضور الله متعال برگردیم؛ چه اشکالی دارد زبان مادری خویش را هم پاس بداریم و دنیا و قیامت خود را هم (به وسیله ی عبادت و دینداری) آباد کنیم؟





چه خبر!



مروری بر مهمترین اخبار اهل سنت و جهان اسلام در سال گذشته

دیدار سراسری دانشجویان اهل سنت با علما، پنجشنبه در دارالعلوم زاهدان / ۱۶ اسفند ۹۷

این دیدار که دانشجویان اهل‌سنت از استان‌های مختلف کشور در آن حضور داشتند، حاوی برنامه‌های مفید و متنوعی همچون: سخنرانی اساتید حوزه و دانشگاه، ارائه مقاله توسط دانشجویان، برگزاری مسابقهٔ سیرت ویژه دانشجویان، میزگرد پرسش‌وپاسخ در موضوع «ازدواج» و برگزاری نمایشگاه کتاب بود. در نشست مقدماتی این دیدار که شامگاه چهارشنبه (۱۵ اسفند) برگزار شد، دکتر عبداللطیف عیدخانی، از فعالان فرهنگی و دانشگاهی شهرستان خواف سخنرانی کرد. در نشست رسمی که از صبح پنجشنبه آغاز شد، مولانا عبدالغنی بدری، معاون آموزشی دارالعلوم زاهدان، مولانا مفتی محمدقاسم قاسمی، رئیس دارالافتای دارالعلوم زاهدان و سردبیر فصلنامهٔ «ندای اسلام»، دکتر تباور، عضو هیئت‌علمی دانشگاه سیستان‌وبلوچستان سخنرانی کردند و چند مقاله نیز توسط دانشجویان قرائت شد. در نشست بعد از عصر، میزگرد پرسش‌وپاسخ در موضوع ازدواج با حضور سه کارشناس؛ مولانا دکتر عبیدالله بنی‌کمال (کارشناس مذهبی)، دکتر محمدعثمان حسین‌بُر (کارشناس جامعه‌شناسی) و دکتر عزیزالله مجاهد (کارشناس روان‌شناسی) برگزار شد. در نشست پایانی که بعد از مغرب برگزار شد، شیخ‌الاسلام مولانا عبدالحمید به ایراد سخن پرداختند. اهدای جوایز به مخترعین، نخبگان و نفرات برتر کنکور سراسری۹۷ و دعای شیخ‌الاسلام مولانا عبدالحمید پایان‌بخش دیدار سراسری دانشجویان اهل‌سنت کشور با علما و اندیشمندان بود.

حملات تروریستی به دو مسجد در نیوزیلند ۴۹ کشته برجای گذاشت / ۲۴ اسفند ۹۷

در دو حمله تروریستی به مساجد «النور» و «لینوود» در منطقه "کرایست‌چرچ" #نیوزیلند، دست‌کم ۴۹ تن از نمازگزاران شهید و ده‌ها تن دیگر زخمی شدند. مهاجمان مسلح ظهر جمعه (۲۴ اسفند) با حمله به این دو مسجد، به طرف نمازگزاران که مشغول ادای نماز جمعه بوده‌اند آتش گشودند.

به گزارش رسانه‌های محلی نیوزلند، یک شاهد عینی به نام لن پنها درخصوص این حمله گفته است: «یک فرد سیاه‌پوش وارد مسجد النور شد و به سمت نمازگزاران تیراندازی کرد. در مسجد ازدحام ایجاد شد و فرد مهاجم پیش از آمدن نگهبانان فرار کرد. وقتی برای کمک وارد مسجد شدم با اجساد نمازگزاران بر روی زمین مواجه شدم.»

مفتی محمدتقی عثمانی مورد سوءقصد مسلحانه قرار گرفت / ۲ فروردین ۹۸

مفتی محمدتقی عثمانی در مسیر رفتن به مسجد «بیت‌المکرم» برای ادای نماز جمعه، توسط افراد مسلح که سوار بر دو موتورسیکلت بوده‌اند، هدف حمله قرار گرفت. مفتی عمران‌اشرف، فرزند مفتی محمدتقی در گفت‌وگو با رسانه‌های پاکستانی گفته است که در این حملهٔ مسلحانه به مفتی محمدتقی عثمانی آسیبی نرسیده، اما دو تن از محافظان ایشان به شهادت رسیده و رانندهٔ خودروی ایشان زخمی شده است.

سعود عثمانی، برادرزادهٔ مفتی محمدتقی نیز گفته است که همسر و نوهٔ مفتی محمدتقی در این حادثه «جراحات سطحی» برداشته‌اند.

هنوز هویت و انگیزهٔ عاملان این حملهٔ مسلحانه مشخص نیست.

چهل و چهارمین مراسم ختم بخاری عین العلوم گشت برگزار شد / ۱۴ فروردین ۹۸

چهل‌وچهارمین همایش دانش‌آموختگی طلاب عین‌العلوم گشت سراوان، صبح چهارشنبه (۱۴ فروردین ۱۳۹۸/ ۲۷ رجب ۱۴۴۰)، با حضور علمای برجسته‌ای از استان‌های سیستان‌وبلوچستان، خراسان رضوی، خراسان جنوبی و هرمزگان و با شرکت اقشار مختلف مردم اعم از حوزویان، دانشگاهیان، فرهنگیان، رجال سیاسی و... در مصلای این شهر برگزار شد. در این همایش از ۵۲ دانش‌آموختهٔ برادر، ۷ دانش‌آموختهٔ خواهر، ۱۴ حافظ کلام‌الله مجید پسر، ۶ حافظ قرآن دختر، ۶ قاری قرآن و ۲۵ فارغ‌التحصیل دورهٔ افتا تجلیل شد.

کسب رتبه نخست مسابقات بین المللی قرآن کریم در امارات توسط قاری اهل سنت از کردستان

«امین اسدی»، قاری کردستانی اهل سنندج در مسابقات بین‌المللی قرائت قرآن مجید در کشور امارات متّحدهٔ عربی رتبهٔ نخست را کسب کرد.

در این دوره از مسابقات، بیش از ۴۵۰ شرکت‌کننده از ۶۱ کشور جهان با یکدیگر به رقابت پرداختند.

امین اسدی که در میان گروهی اعزامی از ایران در این مسابقات شرکت کرده بود، چهارشنبه (۸ خرداد)، در مراسم اختتامیه مسابقات که در شهر ابوظبی پایتخت امارات برگزار شد، لوح تقدیر و جایزه خود را با لباس محلّی کُردی از نخست‌وزیر امارات دریافت کرد./ اصلاحوب

بیست و هشتمین مراسم فارغ التحصیلی طلاب دارالعلوم زاهدان برگزار شد / ۱۷ فروردین ۹۸

همایش دانش آموختگی طلاب دارالعلوم زاهدان همه ساله در اواخر ماه رجب توسط مسئولین این مرکز بزرگ علمی و دینی به پاس قدردانی از علم و دانش و بیداری مردم برگزار می شود. زاهدانی ها برای دعوت از مهمانـان شان چه پیام هایی را به سراسر کشور به دست باد صبا نفرستادند! و در انتظار ملاقات با آنان چه شب های سیاهی را که به روز و چه روزهای روشنی را که به شب نرساندند! فضای شـــهر زاهدان شبیه عکس ها شده بود، مهمانان فارس، کرد، ترک، ترکمن و عرب با لباس های محلی، خود را به این شهر، خیابان خیام و محل برگزاری همایش رسانده بودند. مهمانان و میزبانان با چنان ذوق و شوقی گرفتند که قلم از وصف آن عاجز و قاصر است. همدیگر را به آغوش می کشند.
این مراسم معنوی از روز چهارشنبه شروع و تا پایان روز پنجشنبه ادامه داشت. در این مراسم شخصیـت هـای برجسـته مـذهبی، سیاسـی و اجتمـاعی از سراسر کشور حضور داشتند و حضور مردم بسیار شکوهمند و بزرگ بود. اجرای سرود، سخنرانی و برنامه های متنوع در این مراسم ارائـه شـد و در پایـان بیش از ۲۰۰ نفر طلبه در بخش برادران دارالعلوم زاهدان دانش آموخته شدند.

محمد مرسی، رئیس جمهور سابق مصر درگذشت / ۲۷ خرداد ۹۸

محمد مرسی، رئیس‌جمهور سابق مصر درگذشت. تلویزیون دولتی مصر اعلام کرده، محمد مرسی در جریان محاکمه در دادگـاه بیهـوش شـده و پـس از انتقال به بیمارستان فوت کرده است. مُرسی پس از برکناری حسنی مبارک، به‌عنوان نخستین رئیس‌جمهور منتخب مردمی عنـان قـدرت را در مصـر بـه دست گرفت، اما یک سال بعد با کودتای عبدالفتاح سیسی دولتش سقوط کـرد و خـودش بـه زنـدان افتـاد. محمـد مرسـی ۶۷ سـاله از اعضـای ارشد اخوان‌المسلمین بود. رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه، اولین رهبری بود که با ادای احترام به آقای مرسی او را "شهید" خواند.

همایش تجلیل از حافظان قرآن و مراسم عروسی اسلامی ۳۱ زوج در سوران / ۸ شهریور ۹۸

همایش تجلیل از حافظان قرآن کریم و مراسم عروسی اسلامی ۳۱ زوج جوان، شامگاه جمعه (۸ شهریور ۱۳۹۸) در مرکز علوم قرآنـی سـوران- از توابـع شهرستان سراوان- برگزار شد. در این مراسم معنوی و باشکوه که به همت مرکز علوم قرآنی سوران و با همکاری مؤسسه فرهنگی فاروق زاهدان برگـزار شد، از ۷۰ حافظ قرآن مجید با اعطای لوح یابود تجلیل شد. در این مراسم همچنین ۳۱ زوج جوان در اقدامی زیبا مراسم عروسـی خودشـان را بـه‌صـورت کاملا اسلامی و به‌دور از هزینه‌های گزاف و با حضور عموم مردم و علمای برجسته‌ای که از استان‌های سیستان‌وبلوچستان و خراسان حضور یافته بودنـد، برگزار کردند. سخنرانی شیخ‌الاسلام مولانا عبدالحمید، مولانا عبدالعلی خیرشاهی (از علما و سخنوران برجستهٔ اهل‌سنت در استان خراسان)، مولانا بهـزاد فقهی (از علما و سخنوران برجستهٔ اهل‌سنت در استان خراسان) و مولانا عبـدالحکیم سـیدزاده (اسـتاد حـدیث عین‌العلـوم گشـت سـراوان) از مهمتـرین برنامه‌های این مراسم دینی و معنوی بود. در این مراسم همچنین قاری عبدالباسط توتـازهی (مـدیر مدرسـه دینـی تجویـدالقرآن زاهـدان)، گـروه سـرود هنری-فرهنگی "ندای همدلان" با مدیریت شمس‌الدین سرودی و گروه سرود "موسسهٔ فرهنگی فاروق" با مدیریت حافظ محمدعمر خمّر بـه اجـرای برنامه پرداختند.
اعطای جوایز و لوح یابود به حافظان قرآن مجید مرکز علوم قرآنی سوران و دعای شیخ‌الاسلام مولانا عبدالحمید پایان‌بخش این مراسم بود.

پانزدهمین نشست مشورتی علمای سراوان و حومه در مدرسه دارالقرآن برگزار شد / ۲۱ شهریور ۹۸

پانزدهمین نشست هم اندیشی علمای شهر و حومه سراوان شامگاه پنجشنبه مورخه ۲۱ شهریور ۹۸ برابـر بـا ۱۲ محـرم الحـرام ۱۴۴۱ه.ق بـه میزبـانی مدرسه دارالقرآن سراوان با حضور شورای عالی علمای شهرستان های سراوان، سیب سوران و مهرستان برگزار گردید.
این نشست مشورتی در سه بخش گزارشات، پیشنهادات و مصوبات و سخنرانی علما برگزار شد.
مولانا سید عبدالصمد ساداتی، امام‌جمعه اهل‌سنت سراوان در بخشی از سخنانشان در پانزدهمین نشست هم‌اندیشی علمای اهل‌سنت شهرسـتان سـراوان و حومه با اشاره به نقش علما و مدارس دینی اهل‌سنت در «اصلاح جامعه» و «حفظ وحدت و امنیت»، بر لزوم «حفظ حرمـت و کرامـت علمـا و مـدارس دینی» تاکید کرد. مدیر مدرسه دینی دارالعلوم زنگیان تصریح کرد: وقتی که علمای اهل‌سنت برای رفـع سـوءتفاهم و احیانـا مشـکلی محترمانـه احضـار شده‌اند کسی اعتراضی نداشته، اما برخوردهای سلیقه‌ای برخی از افراد با علما و اهل علم در شأن جایگاه علما و نظام اسلامی نیست.

تعیین مولوی محمدصدیق درازهی به عنوان مشاور استاندار / ۸ مهر ۹۸

مولوی محمدصدیق درازهی (حقانی)، به عنوان مشاور استاندار سیستان‌وبلوچستان در امور روحانیت اهل‌سنت این استان تعیین شـد. احمـدعلی مـوهبتی، استاندار سیستان‌وبلوچستان طی حکمی مولوی محمدصدیق را به این سمت منصوب کرد.
مولوی درازهی هم‌اکنون امامت جمعه مسجد صدیق اکبر سراوان را بر عهده دارد و از اساتید حوزه علمیه اشاعت التوحید سراوان می باشد.

وفات مولانا خلیل دهقان رحمه‌الله، ۵ آذر ۹۸

مولانا خلیل دهقان رحمه‌الله از علمای جالق که در سالیان زندگی خود بنابر مشورت حضرت مولانا عبدالواحدشاه گشتی، با وجود علم سرشاری که از محضر علمای پاکستان کسب نموده بود، بنابر نیاز منطقه در شهر مرزی جالق مشغول به خدمت بود. ایشان از شاگردان علمای برجسته پاکستان همچون مولانا محمدیوسف بنوری بودند. شیخ الحدیث مولانا محمدیوسف حسین پور (رحمه الله) نیز از دوستان و هم دوره های ایشان در دوران تحصیل و خدمت بودند. مولانا دهقان پس از تحمل چندین سال بیماری شامگاه سه شنبه ۵ آذر دار فانی را وداع گفت.

هجدهمین دورهٔ مسابقات سراسری حفظ و قرائت قرآن کریم در اشاعت التوحید سراوان، ۱۲ آذر ۹۸

هجدهمین دورهٔ مسابقات سراسری حفظ و قرائت قرآن کریم، روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه (۱۲ و ۱۳ آذر ۱۳۹۸) به میزبانی مدرسه دینی اشاعهٔ‌التوحید سراوان برگزار شد. به گزارش دارالقرآن دات آی آر به نقل از سنی‌آنلاین، در این دوره از مسابقات که شرکت‌کنندگانی از استان‌های سیستان‌وبلوچستان، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، کرمان و هرمزگان حضور داشتند، ۱۲۰ قاری و حافظ قرآن در رشته‌های مختلف با یکدیگر به رقابت پرداختند.
قاری شاهرخ مولایی از تربت‌جام، قاری سید یحیی فاضلی از مشهد، قاری یحیی کهن‌سهاری از اشاعهٔ‌التوحید سراوان، قاری ابومصطفی سالارزهی، قاری ضیاءالرحمن صحت و قاری اکبر موسی‌خانی از دارالعلوم زاهدان داوری این مسابقات را بر عهده داشتند.
مولانا سیدعبدالصمد ساداتی درافتتاحیه مسابقات و مفتی محمد قاسم قاسمی در اختتامیه این مسابقات به عنوان میهمان و سخنران ویژه حضور داشتند.

مولانا نظرمحمد زعیمی رحمه‌الله به لقاءالله پیوست، ۱۲ دی ۹۸

مولانا نظرمحمد زعیمی، یکی از علمای سرشناس بخش جالق شهرستان سراوان شامگاه پنج‌شنبه ۱۲ دی در یک سانحهٔ رانندگی در مسیر سراوان به جالق جان به جان‌آفرین تسلیم کرد. مولانا نظرمحمد زعیمی پس از شرکت در نشست مجمع فقهی علمای شهرستان‌های سراوان، سیب‌وسوران و مهرستان در حوزه علمیه اشاعهٔ التوحید سراوان، در حین بازگشت به جالق دچار سانحه شد و به دیدار حق شتافت.
مراسم تشییع جنازه مفتی نظرمحمد زعیمی (رحمه‌الله) عضو مجمع فقهی علمای اهل سنت ایران با حضور علمای طراز اول استان و اقشار مختلف مردم در مصلای شهر جالق برگزار شد. در این مراسم مولانا عبدالغنی بدری (به نمایندگی از شیخ الاسلام مولانا عبدالحمید)، مولانا سیدعبدالصمد ساداتی، مولانا عبدالکریم حسین پور، مولانا محمدامین حسین بر و مولانا عبدالحمید جهاندیده به ایراد سخن پرداختند. مولانا بدری نیز پیام تسلیت شیخ الاسلام مولانا عبدالحمید را به علما و مردم جالق ابلاغ نمود.

دکتر محمدنعیم امینی فرد (نماینده مردم ایرانشهر) درگذشت، ۱۵ دی ۹۸

دکتر محمدنعیم امینی‌فرد، نماینده مردم شریف حوزه انتخابیه ایرانشهر، سرباز، دلگان، فنوج و بخش‌های آشار، لاشار، بنت و آهوران در مجلس دهم شورای اسلامی و رئیس مجمع نمایندگان سیستان‌وبلوچستان، ظهر امروز (یکشنبه ۱۵ دی ۹۸) بر اثر سانحه رانندگی در محور خاش– زاهدان درگذشت.
سرهنگ بهروزی، فرمانده پلیس راه سیستان‌وبلوچستان گفت: این حادثه ساعت ۱۲ و ۲۰ دقیقه امروز در ۴۵ کیلومتری زاهدان بر اثر برخورد سواری سوزوکی حامل دکتر امینی‌فرد با خودروی پراید رخ داده است. به گفته سرهنگ بهروزی؛ در این حادثه راننده هر دو خودرو نیز به علت شدت جراحات جان خودشان را از دست داده‌اند.

سیلاب مناطق جنوبی استان سیستان و بلوچستان را بلعید.

به دنبال بارندگی‌های اخیر در استان سیستان‌وبلوچستان، مناطق جنوبی این استان بر اثر شکستن سدها، طغیان رودخانه‌ها و آبگرفتگی معابر با مشکلات و بحران مواجه شده است. شهر و روستاهای منطقه زرآباد، دشتیاری، نیکشهر، بنت، دلگان ها، فنوج، عورکی و ... بیشترین آسیب را از سیل اخیر دیده اند. کمکهای مردمی و خدمات دولتی با تلاش شبانه روزی توانسته اند به اکثر این مناطق کمک رسانی کنند. اما کشاورزی در این مناطق به طور کلی از بین رفته است.

شیخ‌الاسلام مولانا عبدالحمید: شایسته بود مدیر شبکهٔ استانی سیستان‌وبلوچستان از مردم عذرخواهی می‌کرد

مولانا عبدالحمید: «سخنرانی بنده در جلسهٔ شورای مدیریت بحران علیه هیچ‌کسی نبود»، اظهار داشتند: بنده در سخنرانی‌ام در این جلسه تمام جوانب را درنظر گرفتم و از همهٔ کسانی که در زمینهٔ کمک به سیل‌زدگان تلاش کردند تشکر کردم و از هیچ‌کسی انتقاد نکردم. مولانا عبدالحمید در واکنش به قطع پخش زندهٔ سخنرانی خود از شبکهٔ استانی گفتند: این اقدام شبکهٔ استانی در راستای وحدت نبود، بلکه در حد وسیعی دل‌شکستگی مردم را به دنبال داشت و حتی مردم عزیز سیل‌زده که نیاز به دلجویی داشتند هم از این عملکرد رنجیده‌خاطر شدند.

معرفی ٤ نرم افزار مفید برای موبایل

از سایت سنت دانلود – مرکز دانلود فایل های اهل سنت

این سامانه جامع و کاربردی به شما این امکان را می دهد تا به هر بحثی از علوم قرآنی دسترسی پیدا کنید و درباره هر یک از آیات ، کلمات و مباحث قرآنی مطالبی ارزنده از مجموعه عظیم کتب تفسیر ، قرائات ، مصاحف ، إعراب و ... را مشاهده نمایید و از آن برای تحقیقات علوم قرآنی استفاده کنید. به بیان ساده تر ، به شما امکان تحقیق درباره هرکلمه ای از قرآن کریم که برای شما جای سوال بوده را می دهد و مانند جستجوگر گوگل یک همراه خوب در علوم قرآنی است.

لینک صفحه دانلود www.sunnatdl.com/?p=27122

جستجوگر قرآنی
البحث القرآني
بررسی و تحقیق آیات قرآن کریم
در ۴۰ تفسیر بزرگ اهل سنت
برای سیستم عامل اندروید و آیفون
هم اکنون در سنت دانلود ببینید
www.SunnatDL.com

نرم افزار کاربردی و بی نظیر "الآیه" یک اپلیکیشن بی نظیر که شما را در تلاوت قرآن کمک میکند. رابط کاربردی ساده ، گرافیک بی نظیر و عالی ، گوش دادن به تلاوت قرآن با صدای قاریان مشهور ، تفسیر ساده و روان عربی برای هرآیه از جمله ویژگی هایی است که این نرم افزار را منحصر به فرد میکند. با این نرم افزار دیگر نیاز به تنظیمات خاصی برای گوش دادن تلاوت هر آیه نیست و تنها با لمس آیه مورد نظر تلاوت آن را گوش میکنید.

لینک صفحه دانلود www.sunnatdl.com/?p=25896

نرم افزار بی نظیر تلاوت قرآن
مخصوص اندروید و آیفون
هم اکنون در سنت دانلود
www.SunnatDownload.Net

با نرم افزار المصلی نمازت را بخوان و از زندگی ات لذت ببر! این نرم افزار امکانات همچون" قبله نما، مشاهده اوقات نماز در هفته، اشتراک گذاری اوقات نماز، تنظیمات و کنترل هشدارهای نرم افزار، بررسی موقعیت مکانی شما، جستجو و پیداکردن نزدیکترین مسجد در جی پی اس و ...
این نرم افزار تاکنون بیش از ۱۱ هزاربار در دنیا دانلود و استفاده شده است.

لینک صفحه دانلود www.sunnatdl.com/?p=24606

المصلي
نماز خود را در مسجد سروقت بخوانید و از زندگی خود لذت ببرید!
+ جستجوی نزدیکترین مسجد محل زندگی شما
+ نمایش جهت قبله با استفاده از سنسورهای موبایل
+ بیصدا کردن موبایل هنگام اقامه نماز با جماعت به صورت اتوماتیک
و ...
قابل دریافت از فروشگاه itones ، google play و سایت سنت دانلود
05:55:55

اپلیکیشن کاربردی "مارکت اسلامی سنت دانلود" برای سیستم هوشمند اندروید طراحی شده است. با این نرم افزار می توانید به دهها فایل منتشر شده در سایت سنت دانلود بدون نیاز به مراجعه به وبسایت دسترسی پیدا کنید.
در این نرم افزار فایلهای اسلامی با موضوعات مختلف از جمله تلاوتهای برگزیده، کتب مفید اسلامی، فیلم و سریال های اسلامی، اناشید صوتی و تصویری، نرم افزارهای کاربردی و مفید برای موبایل و رایانه و ... را ببینید و دانلود کنید.

لینک صفحه دانلود www.sunnatdl.com/?p=24606

مارکت اسلامی
سنت دانلود
دسترسی سریع و آسان
به صدها فایل اسلامی اهل سنت
تلاوت های برگزیده
کتب مفید اسلامی
سخنرانی علمای اهل سنت
فیلم و سریال های اسلامی
اناشید صوتی و تصویری اسلامی
نرم افزار های کاربردی موبایل و رایانه
و دهها فایل دیگر ...
مارکت اسلامی
سنت دانلود

راهنمای دانلود: برای دانلود نرم افزارهای بالا لینک نوشته شده را در مرورگر خود وارد نموده و لینک دانلود صفحه را ببینید. در صورت اشکال در دانلود، مشکل خود را از طریق نظرات همان مطلب اعلام نمایید تا رفع شود.

زندگی با قرآن در گفتگو با قاری ممــتاز اهل سنت
(قاری ضیاءالرحمن صحت – استاد برجسته قرائت و تجوید دارالعلوم زاهدان)

در ابتدا از شما تشکر می کنیم که وقت خود را برای این گفتگو در اختیار ما گذاشـتید. لطفاً دربـاره خودتـان بیـوگرافی مختصری را بیان بفرمایید.

بنده ضیاءالرحمن صحت هستم. در سال ۱۳۶۳ در شهر زاهدان در میان خانواده ای متدین به دنیا آمدم و هـم اکنـون در دارالعلوم زاهدان به عنوان خادم قرآنی و استاد علوم قرآنی در دفتر حفظ و تجوید دارالعلوم در حال خدمت هستم.

برای اولین بار چه عاملی باعث شد که شما به طرف فعالیت ها و تخصص در علوم قرآنی روی بیاورید؟

من به یاد دارم در کودکی همیشه مادرم تلاوت گوش می کرد و از تلاوات متاثر شده و گریه مـی کـرد و مـن هـم در همان کودکی این فکر به ذهنم رسید که این قاریان (استاد منشاوی و استاد عبدالباسط) چه زیبا تلاوت مـی کننـد کـه مادرم به گریه می افتد و آرزو کردم کاش من هم بتوانم به همین زیبایی قـرآن را بخـوانم. در دوره ابتـدایی در مدرسـه دولتی نیز من در صف صبگاهی تلاوت می کردم و سوره های ضحی، تین و الحمد را بیشتر می خواندم و معلم نیـز مـا را بسیار تشویق می کرد. بعد از آن به مدرسه دارالهدی اسماعیل آباد خاش رفتم و آنجا در چند جلسه تلاوت کردم کـه قاری عبدالمومن (رحمه الله) ، مولانا عبدالرشید شهنوازی و مولانا عبدالواحد مرادزهی (رحمـه الله) بسـیار مـرا تشـویق کردند و این موضوع بسیار به من روحیه داد.

درباره تحصیلات قرآنی خود بفرمایید. اساتید شما چه کسانی بوده اند؟

اولین استاد بنده در تحصیلات قرآنی قاری عبدالمومن بودند که نزد ایشـان در مدرسـه دارالهـدی اسـماعیل آبـاد خـاش چندین بار کتب تجویدی از جمله جمال القرآن را خواندم. در سال تحصیلی ۸۳-۸۴ از دارالعلوم زاهـدان فـارغ التحصـیل شدم و شیخ الاسلام پیشنهاد دادند و فرمودند شما همینجا به عنوان استاد تجوید و قرائت مشغول خدمت شـوید؛ امـا بـا توجه به علاقه شخصی و مشورت مفتی محمدقاسم قاسمی برای کسب تخصص و ادامه تحصیل در علوم قرآنی با توجه به اینکه مشکلاتی پیش آمد و امکان سفر به کشورهای عربی نبود، به لاهور پاکستان رفـتم. آنجـا در مدرسـه دارالقـراء لاهور و مدرسه تجوید القرآن ثبت نام کردم و از اساتیدی همچون قاری اشرف، قاری محمدادریس العاصم، قـاری نجـم الصبیح تهانوی و ... کسب فیض کردم و ۱۰ قرائت قرآن را از ایشان فرا گرفتم. البته بنده قبلا حافظ قرآن نبـودم کـه در همین مدت حفظ خود را در ۶ ماه کامل کردم. در این مدت من بسیار فایده بردم، زبان اردو را یاد گرفتم و متن مقـدمات الجزریه ، متن شاطبیه را حفظ کردم و سال پرخاطره و بیادماندنی را گذراندم.

برای حفظ قرآن اولین مرحله باید چه کاری انجام داد؟

برای حفظ قرآن اولین مرحله اینست که قرآن آموز ابتدا باید روخوانی قرآن یاد گرفت و پس از آن تجوید مقدماتی یعنـی بخش مخارج و صفات حروف را حتما باید رعایت کرد و در وهله دوم احکام حروف مانند مد، موارد اظهار، ادغـام، اقـلاب و اخفا را یاد گرفت. بعد از فراگیری و رعایت این موارد حفظ را زیر نظر استاد شروع کند. بهترین وقت حفـظ هـم قبـل و بعد از نماز صبح است. چون خود من نیز قبل از نماز صبح ۱.۵ ساعت بیدار می شدم و قـرآن را حفـظ کـردم. البتـه مـن بدون صدا قرآن را حفظ کردم یعنی کل قرآن را به صورت زمزمه و مطالعه یاد گرفتم و فقط برای ارائه به اسـتاد صـدای خود را بلند می کردم.

بعد از سالها ارتباط مستمر با قرآن کریم، چه تأثیری در زندگی خود احساس می‌کنید؟

قرآن سراسر عزت است؛ قرآن صاحب خود را عزت می دهد و برای مردم محترم قرار می دهد و انسـان را حفاظـت مـی کند. تجربه ای که من داشتم بخاطر قرآن الله تعالی به صورت عجیب انسان را کمک و نصرت می کند. یک قاری قرآن متعلق به خودش نیست بلکه متعلق به تمام اقشار مختلف مسلمانان است و برای او مذاهب و فرق مختلف فرقی

نمی کند و هرکس که معتقد به قرآن است قاری قرآن متعلق به اوست چون هدف قاری خدمت بـه قـرآن اسـت و ایـن درس از قرآن به ما رسیده همانطور که قرآن متعلق به همه است، قاری قرآن نیز متعلق به همه است. قاری قرآن از این نظر هیچ محدودیت و حساسیتی ندارد.قرآن سراسر نور، برکت و هدایت است. در موارد محتلـف بنـده دیـده ام و تجربـه کرده ام که کسی با قرآن باشد قرآن او را رها نمی کند و قرآن همیشه با او هست.

چه توصیه‌ای برای خانواده‌ها دارید برای این که فرزندانشان را با قرآن کریم مأنوس کنند؟

مهمترین نقش در زندگی یک نفر را خانواده دارد؛ والدین باید بسیار برای فرزند خود اهمیت قائل شـوند و بـرای تربیـت او برنامه ریزی کنند. اگر امکان حضور فرزند در کلاس های عمومی قرآن نیست، بهترین راه حل که مـی تواننـد زودتـر بـه نتیجه برسند اینست که استاد خصوصی انتخاب کنند. چون در کلاسهای عمومی گرچه آموزش و حفظ صورت مـی گیـرد اما نتیجه مطلوب بعضا حاصل نمی شود و اگر والدین به فرزند خود اهمیت می دهند باید یک استاد خصوصی بگیرند یعنی فرزند خود را پیش استاد بفرستند یا استاد را به منزل خود دعوت کنند و روزانه ۲ ساعت هـم بـرای آمـوزش قـرآن کـافی است. عموما اساتید حفظ در اینباره همکاری می کنند به شرطی که خانواده رسیدگی کنند و اهمیت قائل شوند و بـه اسـتاد توجه کنند چراکه توجه به استاد توجه به خود فرزندشان است و زودتر نتیجه مطلوب را حاصل می کنند. ایـن کـار چنـدان سخت نیست و هزینه های سنگین نیز ندارد و در عوض فایده زیادی حاصل می شود. خانواده هـا سـعی کننـد همیشـه در منزل تلاوت قرآن باشد و صدای تلاوت قرآن همیشه در منزل جاری باشد و از تلاوت های ترتیل منشاوی و تلاوت های مجلسی همیشه استفاده کنند؛ چون تلاوت های مجلسی زیبا باعث ایجاد روحیه و شوق می شـود و پخـش تـلاوت هـای مجلسی از اساتید مصری در منازل بسیار تاثیر گذار است.سعی شود برای فرزنـد خـود، کـار هـای تشـویقی بـه صـلاحدید خانواده انجام شود؛ برای مثال گفته شود که اگر تو یک جزء حفظ کنی برای تو یک دوچرخه می گیرم، اگر پنج جزء حفـظ کنی برایت لب تاب می خرم و ... . از تشویق نتیجه های زیادی حاصل می شود به جای توبیخ و تنبیه

چقدر مفاهیم قرآن در حکومت و زندگی مردم جاری است؟

الحمدلله جامعه ما و خانواده ها عموما متدین و دیندار هستند اما به نظر من بیشتر نیاز هست که مردم به قرآن رجوع کننـد و زندگی خود را به طرف قرآن سوق دهند. وقتی که در حکومت و زندگی مردم مفاهیم قرآن جاری شوند آن زندگی، یـک زندگی پرافتخار و بی نقص است و در آن زندگی آسیب های اجتماعی کمتـر هسـتند و آن یـک زنـدگی آرام و همـراه بـا خوشبختی و سعادت است.

سطح فعالیت های قرآنی و توجه به این بخش در مدارس دینی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

الحمدلله مدارس دینی تلاش می کنند و زحمت می کشند و روز به روز وضعیت بهتر می شود اما این بهترشدن بسیار کنـد پیش می رود و باید این تحویل وضعیت تسریع شود. مدارس دینی اولین و مهمتـرین وظیفـه و رسالتشـان قـرآن اسـت و قرآن زیربنای مدارس است و باید بر قرآن بسیار برنامه ریزی شود و اینگونه نباشد که وقتی مدرسه دینی فعال شد و جـان گرفت، قرآن به حاشیه برود و به دیگر علوم توجه شود. مهمترین وظیفه مدارس دینی آموزش قرآن است و باید مردم را بـا قرآن مانوس و آشنا کنند و طلاب در بحش قرآن متخصص شـوند و بخـش تجویـد، قرائت، تلاوتهـای زیبـای ترتیـل و مجلسی، محافل و مسابقات قرآنی و برنامه های قرآنی در مدارس پر رنگ باشـد. متاسـفانه در مـدارس دینـی اسـتان مـا، سیستان و بلوچستان یک مشکل هست و آن اینکه اساتید توانمند قرائت و حفظ بسیار کم هست و مدارس دینی باید ابتـدا استاد پرورش دهند و اساتید را برای کسب تخصص اعزام کنند و در این زمینه از آنها حمایت کنند.و طلاب و اسـاتید بایـد متخصص باشند و طلاب متخصص نمی شوند مگر اینکه استاد متخصص و توانمند داشته باشد.

چه پیشنهادی برای ارتقای سطح فعالیت های قرآنی در مدارس دینی دارید؟

کلاس های حفظ باید منظم، شیک، تر و تمیز ، بروز باشند و امکانات کلاس حفظ مثلا میزهـا و فرشـها بهتـرین باشـند. همچنین در هر مدرسه باید یک دفتر به عنوان "دفتر امور قرآنی" داشته باشد که کار های قرآنی را انجام دهد.

نظر شما درباره مدرسه دارالقرآن چیست و چه پیشنهادی برای بهتر شدن فعالیت های قرآنی در این مدرسه دارید؟

مدرسه دارالقرآن الحمدلله مدرسه ای خوشنام و فعالی هست و برای کارهای قرآنی برنامه ریزی می کند و در این زمینه دغدغه دارد و روز به روز بیشتر و گسترده تر عمل می کند و فعالیت های بروز تر و بهتری انجام می دهد. تمام این فعالیت های ارزنده زیر نظر یک شخص فعال و خدوم ، مولانا اسحاق سپاهی هستند که خداوند در مال و جان ایشان برکت دهد و در دوره ای که در یک ماه شعبان بنده آنجا برگزار کردم و حضور داشتم احساس کردم که مولانا سپاهی در اوقات اضافی، اوقات استراحت و در پاره وقت به مدرسه می آید و به امور رسیدگی می کند و تمام بخش ها را زیر نظر دارد و ایشان انسانی هستند که بسیار به کارهای قرآنی اهمیت می دهد و بسیار انسان زحمتکش و پرتلاشی هستند. مدرسه دارالقرآن بسیار عالی به پیش می رود و الحمدلله ما آینده بسیار خوبی برای این مدرسه می بینیم و مدرسه دارالقرآن امید ما هست. پیشنهاد ما اینست که مدرسه دارالقرآن در آینده اساتید خوب، متخصص و توانمندی در اختیار داشته باشد؛ چراکه هرچه اساتید قوی باشند مدرسه نیز قوی خواهد بود. در آینده در گزینش و انتخاب اساتید بسیار دقت شود و بهترین اساتید را گرچه با بالاترین حقوق نیز باشد انتخاب کنند. چرا که مردم حمایت می کنند و این مدرسه را دوست دارند و اگر مردم مشاهده کنند که کار خوب و تخصصی انجام می شود مطمئنا بیشتر حمایت می کنند و بیشتر رسیدگی می کنند. نظرما همین هست که بهترین اساتید انتخاب شوند و امکانات بروز مانند پروژکتور و کامپیوتر استفاده شود. الحمدلله محافلی که توسط این مدرسه به صورت ماهانه برگزار می شود از کارهای مفید قرآنی است و باعث ترقی و پیشرفت است.

گزارش مختصر از مدرسه دارالقرآن سراوان



- سال تاسیس: ۱۳۷۹ ه.ش برابر با ۱۴۲۱ه.ق
- تعداد شعبه: ۲ شعبه (برادران و خواهران)
- تعداد کل طلاب در سال تحصیلی جاری: ۳۹۰ نفر
- تعداد کل فارغ التحصیلان تاکنون: ۲۲۰ نفر
- تعداد مدرسین و کارکنان (خواهر و برادر) : ۳۰ نفر
- خرج یک طلبه در سال: ۴۰۰.۰۰۰ تومان
- وبسایت اینترنتی: www.Darulquran.ir
- کانال تلگرام: t.me/Darulquran_ir
- شماره تماس: ۰۹۱۵۱۹۸۹۳۸۷ | آدرس: سراوان، خیابان دارالقرآن



جدیدترین تصاویر مدرسه رادر صفحه اینستاگرام ما ببینید.

Instagram.com/Darulquran.ir



جدیدترین اخبار پایگاه را در کانال تلگرام ما ببینید.

Telegram.me/Darulquran_ir

طرح طلبه دانش آموزی | طرحی برای تربیت نسل جدید

(آشنایی با طرح طلبه دانش آموزی در گفتگو با مولانا اسحاق سپاهی)

طرح طلبه دانش آموزی طرحی است که در آن طلاب در کنار تحصیل دروس دینی، در مدرسه دولتی نیز تحصیلات خود را ادامه می دهند و همزمان در دو بخش تحصیل می کنند. مدرسه دارالقرآن سراوان یکی از مدارسی است که قریب به دو دهه این طرح را با موفقیت اجرا نموده است. برای معرفی بیشتر و آشنایی با این طرح گفتگویی با مولانا اسحاق سپاهی (مدیر مدرسه دارالقرآن) را انجام داده ایم که در ادامه مطالعه می کنید.

❖ **طرح طلبه دانش آموزی را با چه هدفی آغاز کردید؟**

مهمترین اهداف ما از اجرای طرح طلبه دانش آموزی موارد زیر هستند: ۱- ایجاد زمینه تحصیل همزمان برای طلاب و دانش آموزان در مدرسه دینی و دولتی به خصوص برای طلاب روستاهای محروم ۲- ایجاد ارتباط بیشتر بین مدرسه دینی و مدرسه دولتی، حوزه و دانشگاه و علما و فرهنگیان ۳- تربیت و آموزش نسل جدید طلاب که در کنار آموزش و حفظ قرآن کریم و فراگیری دوره مقدمات علوم دینی در مدرسه دولتی تحصیلات خود را ادامه دهند و بعد از اخذ مدرک دیپلم و با علاقه مندی آنان و مشوره اولیاء ایشان جهت ادامه تحصیل علوم دینی به مدارس بزرگ معرفی می شوند یا جهت ادامه تحصیل در دانشگاه به عنوان یک دانشجوی متعهد و آگاه ادامه تحصیل می‌دهند.

❖ **برای اولین بار چه چیزی باعث شد شما طرح طلبه دانش آموزی را اجرا کنید؟**

در اولین جلسه تجلیل از حافظان قرآن مدرسه دارالقرآن که در ماه رمضان ۱۳۸۴ با حضور علما و مردم متدین برگزار شد، شیخ الحدیث مولانا محمد یوسف رحمه الله فرمودند: وقتی اینجانب جهت معالجه به یکی از بیمارستان‌های فوق تخصصی کراچی رفتم، در آنجا مشاهده کردم پزشک فوق تخصص معالج بیماران، دارای ریش و عمامه و امام مسجد بیمارستان بود؛ با خود گفتم که چقدر زیبنده است که پزشک ما نیز متبع سنت، حافظ قرآن و عالم دین باشد. بنابر همین توصیه و تشویق شیخ الحدیث رحمه‌الله مصمم شدیم طرح دانش آموزی را با جدیت پیگیری و اجرا کنیم.

❖ **آیا طلابی که با این طرح تحصیل می کنند با طلاب دیگر در برنامه های درسی و برنامه های دیگر فرق دارند؟**

برنامه درسی دانش آموزان و طلاب دیگر یکی است؛ همه طلاب بعد از ثبت نام قاعده نورانی روخوانی قرآن را فرا می گیرند، پس از آن افراد علاقمند و توانمند به کلاسهای حفظ معرفی می شوند یا در کلاس های علوم دینی شبانه که بعد از نماز مغرب به مدت ۲ ساعت برای طلبه دانش آموزان دایر است شرکت می کنند. در کلاسهای شبانه طلبه دانش آموزان نصاب درسی شورای هماهنگی تدریس می شود. قابل ذکر است در شیفت صبح طلبه دانش آموزان در مدارس دولتی مشغول به تحصیل هستند و دیگر اوقات خود را در مدرسه دینی طبق برنامه تنظیم شده عمومی، به صورت شبانه روزی حضور دارند.

❖ **طلبه دانش آموزان چه برنامه ای برای مرور و تکرار دروس دینی و دولتی به صورت روزانه دارند؟**

طلبه دانش آموزانی که در کلاس های علوم دینی شبانه شرکت می کنند، بعد از نماز ظهر تا عصر در سالن تکرار و مطالعه زیر نظر استاد، به مدت یک ساعت با دیگر طلاب مشغول تکرار دروس دینی و به مدت یک ساعت دیگر مشغول تکرار و مرور دروس دولتی هستند؛ همچنین طلبه دانش آموزانی که در کلاس‌های حفظ و روخوانی شرکت دارند نیز بعد از مغرب به مدت یک ساعت مشغول آماده کردن درس حفظ یا روخوانی خود و به مدت یک ساعت دیگر مشغول تکرار دروس دولتی زیر نظر استاد مربوطه هستند.

❖ **با توجه به اختلاط طلبه دانش آموزان با دانش آموزان دیگر، چگونه آنها را از خطرات احتمالی فکری محافظت می کنید؟**

برنامه ریزی مشترک و حضور طلبه دانش آموزان در کنار طلاب دیگر سبب شده تا آنها نیز از تمام برنامه های تربیتی که در مدرسه اجرا می شود، استفاده کنند. از جمله این برنامه ها می توان به درس حدیث هر روز بعد از نماز ظهر و بعد از نماز عشا، جلسه اصلاحی روزهای پنجشنبه، تمرین سخنرانی، مقاله نویسی و سرود در شب های پنجشنبه، مراسم صبحگاهی روزهای پنجشنبه، تشکیل ۲۴ ساعتی طلاب برای دعوت و تبلیغ در مساجد شهر و روستاهای نزدیک روزهای پنجشنبه و جمعه و شرکت در مسابقات حفظ، قرائت و سخنرانی داخلی مدرسه اشاره نمود که تمامی این

برنامه ها زیر نظر و با همکاری معاونت پرورشی و تربیتی مدرسه انجام می گیرد.

❖ **چه برنامه ای برای کنترل رفت و برگشت طلبه دانش آموزان به مدارس دولتی دارید؟**

برای نظم و کنترل رفت و برگشت طلبه دانش آموزان به مدارس دولتی همه آنها در گروه‌های پنج یا شش نفره تقسیم شده‌اند و یک نفر به عنوان سرگروه انتخاب شده است که هر روز صبح و ظهر ساعت خروج و ورود هر گروه توسط نگهبان مدرسه در دفتر مخصوص کنترل و نظارت طلبه دانش آموزان ثبت می گردد و تخلفات به مدیر مدرسه جهت رسیدگی اعلام می شود.

❖ **آیا تحصیل همزمان در دو بخش دروس دولتی و دینی باعث افت تحصیلی طلبه دانش آموزان نمی شود؟**

تحصیل همزمان در دو بخش دروس دولتی و دینی نه اینکه سبب افت تحصیلی دانش‌آموزان نشده است بلکه در دهه گذشته به تجربه برای ما ثابت شده است که این طلبه دانش آموزان هم در مدرسه دولتی (بنابر اذعان مدیران و معلمین مدارس) و هم در مدرسه دینی، از دانش آموزان و طلاب دیگر ممتاز و بهتر هستند. البته تعداد معدودی از طلبه دانش آموزان که پایه علمی آنان ضعیف بوده و از روستاهای دوردست با معدل تحصیلی پایین مراجعه کرده‌اند، از نظر درسی متوسط یا ضعیف هستند.

❖ **برای اجرای این طرح در یک مدرسه دینی، وجود چه امکانات و برنامه هایی لازمی است؟**

برای اجرای این طرح در مدارس دینی امکانات موجود هر مدرسه کافی است. فقط تعیین فردی متعهد و دلسوز به عنوان مسئول این بخش که با ارتباط موثر با مدارس موفق در این طرح از آنها الگو برداری نموده و برنامه‌های این طرح را صحیح و با دقت اجرا نماید. قابل ذکر است تنها دانش آموزان کلاس ششم ابتدایی تا اول دبیرستان در این طرح ثبت نام شوند.

❖ **اجرای این طرح چقدر برای جامعه و طلاب مفید است؟**

در عصر حاضر جامعه ما نیاز مبرم دارد به علمای باسواد و آگاه به علوم و فنون جدید و نیاز دارد به مهندسین، پزشکان و متخصصین متدین و متعهد که نسبت به دین و شریعت الهی آگاهی کامل داشته باشند و قاری و حافظ قرآن باشند و ما امیدواریم خروجی این طرح این چنین افرادی باشند.

❖ **چه پیشنهادی برای مدیران دیگر مدارس دینی در خصوص اجرای این طرح دارید؟**

به مدیران محترم مدارس دینی به خصوص مدارسی که با کمبود طلاب شبانه روزی مواجه هستند پیشنهاد می شود، این طرح را در مدرسه خویش اجرا نمایند و از تجربیات مفید مدارس موفق در این زمینه استفاده و الگوبرداری کنند و با توجه به اینکه تعداد زیادی از اولیا و خانواده طلاب علاقه مند هستند که فرزندانشان همزمان با تحصیل در مدارس دولتی، در مدرسه دینی نیز مشغول حفظ قرآن و فراگیری علوم دینی باشند، لذا از این ظرفیت به نحو احسن برای خدمت‌رسانی دینی به جامعه استفاده شود. قابل ذکر و حائز اهمیت است، اگر این طرح صحیح و با برنامه‌ریزی دقیق و اجرای درست برنامه ها توسط کارکنان دلسوز دنبال شود، طرحی بسیار مفید و موثر برای جامعه کنونی خواهد بود و اگر این طرح بدون برنامه صحیح یا توسط کارکنان ضعیف اجرا گردد و تمام جوانب کار با دقت مدنظر قرار نگیرد بسیار مضر و سبب بدنامی مدارس دینی و علما و بدبینی اولیای دانش آموزان خواهد بود. ما نیز برای ارائه تجربیات خود پذیرای همه مدیران و مسئولین محترم مدارس دینی هستیم.

❖ **بعد از سالها اجرای این طرح چه نتیجه ای شما حاصل نموده اید؟**

الحمدلله بعد از سال‌ها اجرای این طرح، اکنون ده‌ها حافظ کل قرآن بعد از گذراندن دوره مقدمات علوم دینی در این مدرسه و مدارس مشابه و پایان دوره دبیرستان مشغول ادامه تحصیل در مدارس دینی بزرگ استان یا در دانشگاه ها می باشند و همچنین طی جلسه ای رسمی در تاریخ ۲۷ آبان ۹۸ با حضور مسئولین محترم در سالن آموزش و پرورش سراوان از ۶۰ نفر دانش آموز حافظ کل قرآن تجلیل شد که ثمره اجرای این طرح بودند و این یکی از بهترین نمونه های خروجی این طرح است. فلِلّه الشکر و المنّه

❖ **برای توسعه و پیشرفت بیشتر در اجرای این طرح چه برنامه ای دارید؟**

برای ترویج و توسعه بیشتر اجرای این طرح، با توجه به کسب تجربیات در دهه گذشته، با مدارس جدید التاسیس و مدارسی که طلبه دائمی ندارند صحبت هایی به عمل آمده و الحمدلله مثمر ثمر واقع شده است و به زودی دهها مدرسه دینی دیگر این طرح مفید و ارزنده را اجرا خواهند نمود. ان شاءالله

گزارش تصویری
از مدرسه دارالقرآن سراوان



ساختمان سه طبقه مدرسه (شامل کلاسهای درس، سالن اجتماعات و خوابگاه)



شعبه خواهران (شامل سالهای تحصیلی اول تا هفتم ، کلاس آموزش قرآن)



برگزاری کلاسهای قرآنی و تبلیغی (با حضور قاریان برجسته و علمای سرشناس)



نمونه فعالیت های امور فرهنگی مدرسه دارالقرآن سراوان

معرفی کوتاه
مدرسه دارالقرآن سراوان

مدرسه دارالقرآن سراوان یکی از مدارس فعال اهل سنت سراوان و عضو شورای هماهنگی مدارس علوم دینی اهل سنت استان سیستان و بلوچستان می باشد.

این مدرسه در سال تحصیلی گذشته در دو شعبه **برادران** و **خواهران** فعالیت داشته است. در بخش برادران ۳۰۰ نفر طلبه زیر نظر ۲۱ نفر استاد به صورت شبانه روزی و روزانه و در بخش خواهران ۱۵۰ نفر طلبه زیر نظر ۱۳ نفر استاد به صورت روزانه در حال تحصیل هستند.

همچنین **امور فرهنگی مدرسه دارالقرآن سراوان** با راه اندازی و مدیریت سایت های **دارالقرآن دات آی آر** و سایت **سنت دانلود** در فضای مجازی فعالیت می کنند و طراحی و چاپ بروشور و پوسترهای آموزشی - دینی از دیگر فعالیت های این بخش می باشد.



قاری ضیاءالرحمن صحت:

مهمترین نقش در زندگی یک نفر را خانواده دارد؛ والدین باید بسیار برای فرزند خود اهمیت قائل شوند و برای تربیت او برنامه ریزی کنند. اگر امکان حضور فرزند در کلاس های عمومی قرآن نیست، بهترین راه حل که می توانند زودتر به نتیجه برسند اینست که استاد خصوصی انتخاب کنند. چون در کلاسهای عمومی گرچه آموزش و حفظ صورت می گیرد اما نتیجه مطلوب بعضا حاصل نمی شود و اگر والدین به فرزند خود اهمیت می دهند باید یک استاد خصوصی بگیرند یعنی فرزند خود را پیش استاد بفرستند یا استاد را به منزل خود دعوت کنند و روزانه ۲ ساعت هم برای آموزش قرآن کافی است. عموما اساتید حفظ در اینباره همکاری می کنند به شرطی که خانواده رسیدگی کنند و اهمیت قائل شوند و به استاد توجه کنند چراکه توجه به استاد توجه به خود فرزندشان است و زودتر نتیجه مطلوب را حاصل می کنند. این کار چندان سخت نیست و هزینه های سنگین نیز ندارد و در عوض فایده زیادی حاصل می شود.

خانواده ها سعی کنند همیشه در منزل تلاوت قرآن باشد و صدای تلاوت قرآن همیشه در منزل جاری باشد و از تلاوت های ترتیل منشاوی و تلاوت های مجلسی همیشه استفاده کنند؛ چون تلاوت های مجلسی زیبا باعث ایجاد روحیه و شوق می شود و پخش تلاوت های مجلسی از اساتید مصری در منازل بسیار تاثیر گذار است. سعی شود برای فرزند خود، کار های تشویقی به صلاحدید خانواده انجام شود...

(ادامه این مطلب را در صفحه ۳۵ مجله نسیم اسلام بخوانید)



رسول الله ﷺ می فرماید:
بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و به دیگران آموزش دهد.